



انترناسیونال ۴۳۸

اساس سوسیالیسم

انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۱۴ بهمن، ۳ فوریه ۲۰۱۲

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com

سر دبیر: کاظم نیکخواه

پیامهای رسیده به کنگره ۸ حزب کمونیست کارگری ایران صفحه ۱۰

کمپینی جهانی برای آزادی کارگران زندانی
صفحات ۸-۹



کنگره "۹۹ درصدی ها"!

گفتگو با مصطفی صابر در مورد کنگره هشتم حزب

اعتراض آن کارگر خودروسازی باشد که همین چند روز پیش در مقابل

مصطفی صابر: همان انتظاری که
اوضاع بسیار متحول این دومین دهه
قرن بیست و یک در مقابل حزبی مثل
ما قرار میدهد. انتظار من این است
که، برای مثال، کنگره ما نماینده

انترناسیونال: کنگره هشتم حزب
کمونیست کارگری بزودی، یعنی در
اواخر همین ماه فوریه، برگزار
میشود. تصویر شما از این کنگره
چیست؟ یا بهتر است بگویم انتظار
شما از این کنگره چیست؟

صفحه ۴

تقلای دیگر برای سرهم بندی آترناتیو راست

تحت عنوان "اتحاد برای دموکراسی"
را فراخوان داده است. این سومین
جلسه از این نوع است که توسط این
مرکز برگزار می شود. مسئولیت
اصلی کنفرانس را کارگاه آموزشی
صفحه ۷

اصرار دارد "کارگاه آموزشی" نامیده
شود با دعوت از طیفهایی از سلطنت
طلبان و مشروطه خواهان،
جمهوریخواهان، جریانان قوم پرست
و برخی از شخصیتهای جناح
مغضوب جمهوری اسلامی، جلسه ای

سیامک بهاری
این روزها یعنی روزهای سوم و
چهارم فوریه، قرار است "مرکز اولاف
پالمر" در شهر استکهلم سوئد جلسه
ای از جریانان راست اپوزیسیون
ایرانی برگزار کند. این مرکز که خود

یک بحران و دو اجلاس

برگزاری می شود.
نشست سران اتحادیه اروپا در
بروکسل در شرایطی برگزار شد که
دولت بلژیک و شهر بروکسل بعنوان
مقر اتحادیه اروپا بخاطر اعتصابات
صفحه ۷

را به مهمانی دو اجلاس مهم
سیاسی- اقتصادی نشست. یکی
گردهمایی سران اروپائی در مورد
بحران مالی کشورهای حوضه یورو
بود و دیگری اجلاس جهانی داووس
که هر سال در شهر داووس سویس

شهاب بهرامی
اروپای کرخت و بی روح، اروپای
ماتم گرفته و مایوس، با دستانی
سرد و یخزده به امید شنیدن اخباری
دلگرم کننده و امیدبخش، سرمای
ژانویه را پشت سر گذاشت و این هفته

فراخوان اعتصابی جهانی در اول مه امسال

شهلا دانشفر، صفحه ۸

ورشکستگی اقتصادی جمهوری اسلامی

هادی وقفی، صفحه ۴

بازتاب هفته

دهه فجر و نمایش خمینی مقوایی!

یاشار سهندی

نبرد رژیم اسلامی با دشمنان کارتخ خواب

بهروز مهرآبادی

رژیم اسد به سرنگونی نزدیک میشود؟

محمد شکوهی

صفحات ۶-۵



وضعیت انفجاری ایران و نقش کلیدی مبارزه مردم

متن مصاحبه تلویزیونی کانال جدید با
حمید تقوایی

تشدید شده است. این يك عامل
شکل دهنده به شرایط حاضر است و
عامل دیگر بی ثباتی این وضعیت
است. همه میدانند که این وضعیت
قابل دوام نیست، برای مردم قابل
تحمل نیست و تا آنجا که به رابطه
غرب با جمهوری اسلامی برمیگردد
همه میدانند اوضاع بسیار پر تنش و
متشنج است و میتواند به حمله
نظامی منجر بشود. چشم انداز گرانی
سرماس آور و کمبود و قحطی در اثر
تحریمها و از سوی دیگر بالا گرفتن
تهدیدات نظامی و تبلیغات جنگی
همه اینها این تصویر را به ذهن می
آورد که وضعیت فعلی بشدت بی
ثبات و انفجار آمیز است و خواه
ناخواه این شرایط به تحولات مهمی
منجر خواهد شد. بعنوان مثال اگر با
همین شتاب فعلی قیمتها افزایش
پیدا کند تا چند هفته دیگر ناتوانی از
تامین حداقل معیشت و گرسنگی در
جامعه بیداد خواهد کرد و نه تنها
طبقات و اقشار محروم و فقیر بلکه
حتی اقشار متوسط هم دیگر قدرت
صفحه ۲

شهلا دانشفر: حرف بسیاری از
بینندگان کانال جدید اینست که
اوضاع جامعه ایران انفجاری است.
فقر و گرانی بیداد میکند و زندگی
مردم تحت فشار همه جانبه ای قرار
دارد. سؤال ما اینست که شما این
وضعیت را چگونه توضیح میدهید و
صحبت حزب با مردم چیست؟

حمید تقوایی: از نظر اینکه
الان وضعیت چیست شما تصویری
دادید که فکر میکنم نه تنها مردم
ایران بلکه هر کس با وضعیت ایران از
دور هم آشنائی داشته باشد همین
تصویر را دارد. فشارهای اقتصادی
در چند ماهه اخیر بسیار بیشتر شده
است. مصائب اقتصادی و بویژه
گرانی بیسابقه که از نتایج تحریم
اقتصادی است و از سوی دیگر
مسائلی که از مدتها قبل مردم با آن
دست بگریبان بوده اند مثل بیکاری و
فقر و بی تامينی اقتصادی بعلاوه
اختناق شدید و سرکوبها و اعدام و
کشتار و دستگیریهای وسیع و غیره
همه اینها در چند ماهه اخیر بمراتب

ارز تک نرخي، آرزو و تنگنای همیشگی رژیم

بهروز مهرآبادی، صفحه ۳

صفحات دیگر

بیانیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران در
مورد بازداشت فعالین کارگری و ضرورت اقدام فوری
صدیق کریمی یکی از فعالین کارگری و عضو هیئت مدیره
اتحادیه آزاد کارگران ایران امروز بازداشت شد

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

وضعیت انفجاری ایران و ...

از صفحه ۱

تأمین حداقل معاش خود را نخواهند داشت. از سوی دیگر شاهد این هستیم که تعداد اعدامها در این دوره افزایش پیدا کرده، دستگیریها بخصوص دستگیری فعالین جنبش کارگری وسیع تر شده و کلا اختناق و سرکوب شدید تر شده است.

این يك وضعیت استثنائی است. گرچه در تمام دوره حاکمیت جمهوری اسلامی همیشه اختناق و سرکوب و بیکاری و گرانی و غیره وجود داشته است، ولی در این دوره چند ماهه اخیر این شرایط بصورت تصاعدی و بیسابقه ای بدتر و وخیم تر و فراگیرتر و برای توده وسیعتری از مردم کاملاً غیر قابل تحمل شده است.

در رابطه با قسمت دوم سئوال شما حرف ما با مردم در تبیین و توضیح این وضعیت تازه اینست که این شرایط اساساً ناشی از سیاستها و مناسبات میان جمهوری اسلامی و دول غربی است و منشأ همه این مسائل وجود حکومت جمهوری اسلامی است. مدتهاست مردم میدانند که تا این رژیم اسلامی هست نه تنها مساله بیکاری و فقر و گرانی حل نمیشود بلکه وضعیت هر روز بدتر خواهد شد. همه میدانند تا وقتی این رژیم هست این فضا و تنش جنگی و احتمال حمله نظامی و غیره بر فراز جامعه سنگینی خواهد کرد. راه واقعی حل همه این مسائل اینست که جمهوری اسلامی بقدرت مردم بزیر کشیده بشود. این فضائی که ایجاد شده ممکن است این نتیجه منفی را داشته باشد که يك حالت انتظار بوجود بیآورد، يك حالت انفعالی و در انتظار تحولات نشستن.

باید با این روحیه مقابله کرد. اگر چیزی بتواند این وضعیت را به نفع مردم تغییر بدهد نیروی اعتراض و مبارزه خود مردم است. عامل تعیین کننده در پایان بخشیدن به این وضعیت قدرت متحد و متشکل مردم معترض به این شرایط است. هیچ راه حل دیگری وجود ندارد. هم سیاستهای تحریم اقتصادی و غیره که از جانب دولتهای غربی در پیش گرفته شده کاملاً ارتجاعی و ضد مردمی است - دولتهای غربی برای هدفها و سیاستهای ارتجاعی منطقه ای و جهانی خودشان این تحریمها را اعمال کرده اند - و نه طبعاً جمهوری اسلامی در روابط خودش با غرب به

مردم است.

شهلا دانشفر: همانطور که گفتید وضعیت استثنائی است. در عین حال وضعیت کاملاً اضطراری است. مثلاً عسگر اولادی میگوید تا شش ماه دیگر قحطی خواهد شد. در هر حال روشن است که شرایط ویژه ای هست و جامعه هم در حال انفجار و جوشش است. شما گفتید راه حل خود مردم هستند. سئوال اینست که گامهای عملی چیست؟ چگونه؟ سئوال بسیاری از بینندگان ما اینست که چه کنیم؟ از کجا باید شروع کرد؟ تأکيدات شما در این شرایط اضطراری چیست؟ رهنمود حزب در برابر این وضعیت چیست؟

حمید تقوائی: اگر بخواهم فقط بر يك نکته تأکید کنم اهمیت تشکل و مبارزه متشکل است. منظور من متشکل شدن توده مردم در سطح هر چه وسیعتر است. میدانیم در جنبش کارگری و در سطح محدودتری در دیگر جنبشهای اعتراضی يك کانونها و کمیته ها و تشکلهائی از فعالین وجود دارد. این تشکلهای میتوانند نقش مهمی در سازماندهی توده ای مردم ایفا کنند. این کاملاً امکان پذیر است که در شرایط حاضر تشکلهائی از نوع مجمع عمومی در جنبش کارگری وسیعاً شکل بگیرند. در همه مراکز تولیدی کارگران میتوانند در مجمع عمومی دور هم گرد بیایند و در مورد مسائل و مشکلاتشان و بویژه در قبال وضعیت وخیم و غیر قابل تحملی که بدنبال تحریمها به پیش آمده تبادل نظر و چاره جوئی کنند. اعتراض، اعتصابات کارگری تظاهرات و کلا هر نوع مقاومتی در برابر این وضعیت شرط لازم اینست که توده کارگر متحد و متشکل باشد. پایه قدرت کانونها و کمیته ها و تشکلهای فعالین جنبش کارگری اتکا بقدرت توده کارگر است و مجمع عمومی بهترین و ممکن ترین شکل سازمانیابی توده کارگر در شرایط کنونی است. به نظر من اتکا فعالین جنبش کارگری به مجمع عمومی شکلگیری اعتراض و اعتصاب و مبارزات کارگری را امکان پذیر میکند و يك عامل مهم در پیشروی و پیروزی آنهاست. گرچه نکته مورد تأکید جنبش کارگری و تشکیل مجمع عمومی در مراکز تولیدی است اما در شرایط حاضر شکل گیری مجامع عمومی در

محلات نیز اهمیت ویژه ای پیدا میکنند. در محلات جوانان نقش مهمی ایفا میکنند. يك خصوصیت انقلابات منطقه، بویژه انقلاب مصر و تونس، نقش تشکلهای محلی بود که عمدتاً جوانان در سازماندهی آن نقش داشتند. در جنبش اشغال هم تجمع مردم به شکل مجمع عمومی نقش برجسته ای دارد. در شرایط امروز جامعه ایران هم امر شکلگیری مجامع عمومی کاملاً عملی و ممکن است. از نظر موضوع اعتراض، گرانی و فقر و بیحقوقی و بیکاری، باید گفت متأسفانه کمبود وجود ندارد. بحث بر سر سازماندهی مبارزه در محلات بر سر این مسائل است. مبارزه علیه بیکاری و بی تأمین اقتصادی، مبارزه برای نپرداختن قبضها، اعتراض به گرانی و چند برابر شدن قیمتها و کلا ایستادن در برابر این هجوم بیسابقه به شرایط زندگی و معیشت مردم و تعرض برای به عقب راندن این تهاجم را میتوان از هر محله و بر سر مسائل مشخص شروع کرد. تشکلهای محلی و مجمع عمومی مردم در هر محل میتوانند ستون فقرات این اعتراض و مبارزه باشد. منظوم از اعتراض و مبارزه صرفاً تظاهرات و راهپیمائی و اعتصابات نیست. اینها اشکال پیشرفته مباره است ولی میشود در برابر مراکز دولتی در برابر اداره کار و یا فرمانداری و شهرداری و یا در تهران در برابر مجلس اجتماع کرد و خواستها و مطالبات معینی را اعلام نمود. سازمانیابی مردم در این اشکال کاملاً امکان پذیر است و به این نحو میتوان به يك جنبش سازمانیافته و وسیع و قدرتمند هم در کارخانه ها و مراکز تولیدی و هم در محلات شکل داد.

شهلا دانشفر: يك مانع در مقابل اعتراضات مردم سرکوبهای جمهوری اسلامی است. اعدامها دستگیریها فشار به فعالین کارگری، به رهبران اعتراضات و مجموعه این تعرضات. یا مثلاً لشکر کشی و بخیابان ریختن ابواش جمهوری اسلامی تحت عنوان طرح مقابله با بدحجابی در محلات و اماکن عمومی و یا جمع کرن ماهواره ها و غیره. به نظر شما در برابر این سیاستهای سرکوبگرانه چه باید کرد و چگونه باید این اقدامات را خنثی کرد؟

حمید تقوائی: روشن است که سرکوب جزئی از صورت مساله

است. سرکوب و دستگیری و اقدامات پلیسی علیه فعالین و مردم معترض جزئی از وضعیت حاضر و صورت مساله مردم است. پاسخ این شرایط هم در يك سطح عمومی که مورد بحث ماست، گسترش اعتراضات و بمیدان آمدن تعداد هر چه بیشتری از مردم است. اینجا هم باز متشکل شدن و اعتراض و مبارزه متحد با اتکا بر مجامع عمومی نقش کلیدی ایفا میکند. راه دیگری برای بی اثر کردن تعدیات و سیاستهای پلیسی و سرکوبگرانه رژیم وجود ندارد. جمهوری اسلامی هم مثل هر رژیم دیکتاتوری سرکوبگری به انواع تجهیزات سکوب، زندانها و شکنجه گاهها و نیروهای امنیتی و انتظامی و پلیسی و دار و دسته های رنگارنگ ابواشان و نیروهای رسمی و غیررسمی سرکوب و جنایت علیه مردم مسلح است. در برابر این ماشین سرکوب و کشتار کارگران، جوانان، زنان و کل مردم معترضی که کاسه صبرشان لبریز شده است قرار دارند. قدرت مردم در اتحاد و تشکل آنهاست. این اسلحه ماست. مبارزه متشکل اسلحه ما کارگران و توده مردم در برابر ماشین سرکوب جمهوری اسلامی است. مطمئن باشید که اگر این اسلحه را بدست بگیریم یعنی در صفوف گسترده و متشکل و متحد بمیدان بیاییم هیچ نیروئی توان مقاومت در برابر ما را ندارد. این راه همه تاریخ و مشخصاً تجربه امروز انقلابات منطقه بخوبی نشان میدهد. وقتی دیکتاتوری مثل مبارک بعد از چندین دهه حکومت بلامنازع و تحمیل اختناق و شرایط گورستانی بجامعه مصر در عرض چند هفته درهم پیچیده میشود این تنها نشاندهنده قدرت زیرو کننده توده مردم است. قدرت متحد مردم حتی کشورها غربی را وادار کرد از مبارک دست بشویند. در ایران هم اگر اعتراضات وسیع و فراگیر شود نه جمهوری اسلامی میتواند مقاومت کند و نه حتی دولتهای غربی خواهند توانست اوضاع را کنترل کنند. بنابر این در اینجا هم از نظر مقابله با سیاستهای سرکوبگرانه و جنایتیهای که جمهوری اسلامی علیه بویژه مردم معترض مرتکب میشود تنها راه گسترش مبارزه و اعتراض و متشکل شدن برای شکل دادن و به پیش بردن این اعتراضات است. اساس این سازمانیابی مجامع عمومی در

ارز تک نرخی، آرزو و تنگنای همیشگی رژیم

بهر روز مهرآبادی

این کار یعنی جهش سرسام آور قیمت ها و بدنبال آن شعله ور شدن جنبش اعتراضی مردم، مانع از به مرحله قطعی رساندن این طرح شده است. انجام این کار بدون رویارویی مستقیم با مردم و بکار بردن شدیدترین ابزارهای سرکوب و خفقان برای جمهوری اسلامی امکان پذیر نبود. وجود انواع مختلف ارز هر چند امکان لغت و لیس های میلیاردری برای دست اندرکاران رژیم فراهم کرده است، اما با سیاست های عمومی سرمایه داری و منافع دراز مدت آن همخوانی ندارد. تک نرخی کردن ارز هم مانند حذف یارانه ها، آرزوی دیرینه سرمایه داری ایران بوده است که توسط رژیم در حال انجام است. آخرین تلاش رژیم در این زمینه در فروردین ماه امسال بود که در نتیجه آن در مدت یک هفته قیمت دلار ۳۰۰ تومان بالا رفت و به ۱۴۰۰ تومان رسید. ولی در اوج اختلافات درون رژیم و با احساس خطر از واکنش مردم، این اقدام را متوقف کرد و قیمت دلار به ۱۱۵۰ تومان بازگشت. با رها کردن مهار قیمت ارز از اواسط آذر ماه امسال در مدت یک ماه قیمت دلار رکورد ۲۲۰۰ تومان را شکست. همراه با بالا رفتن میزان نفرت مردم از حکومت، زمینه

اعلام تک نرخی شدن قیمت ارز و بالا رفتن سود بانکی تا ۲۱ درصد در روز جمعه ۷ بهمن توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی و وعده فروش دلار به قیمت ۱۲۲۶ تومان از روز شنبه و بدنبال آن به راه انداختن جنجال رسانه ای در این مورد، برای چند ساعت قیمت معامله ارز و طلا را در بازارهای ایران متوقف ساخت و قیمت ها را پائین آورد. اما از روز شنبه قیمت ها دوباره بال های خود را باز کردند و به فاصله پنج روز دلار تا مرز ۱۹۰۰ تومان اوج گرفت. تبلیغات دولت نظیر بالا بردن سهمیه ارز مسافرتی تا ۱۵۰۰ دلار، فرستادن نیروهای انتظامی به مراکز خرید و فروش ارز و دستگیری چند دلال خرده پا در کند کردن سرعت افزایش نرخ ارز توانسته کمی تاثیر بگذارد اما بطور واقعی نرخ برابری ریال در برابر ارزهای معتبر خارجی پائین تر از این است که رژیم بتواند یا بخواهد مانع بالا رفتن قیمت ها شود.

سیاست تک نرخی کردن ارز و واگذاری قیمت آن به مکانیزم بازار از سالهای ۶۰ یعنی در دولت میرحسین موسوی هم در دستور کار رژیم بوده است و دولتهای مختلف اسلامی برای انجام آن تلاش کرده اند. اما نتیجه

وضعیت انفجاری ایران و ...

از صفحه ۱ توضیح بدهید. چون بعضی معتقدند دخالتگری غرب بالاخره ممکن است مفری باشد و مردم را از این وضعیت نجات بدهد. نظر شما در این مورد چیست؟

شهادت دانشفر: بله در ادامه صحبت شما میخواستیم به نمونه ای اشاره کنم. در همین هفته اخیر شاهد بودیم که مردم سندانج با دو هفته تجمعهای اعتراضیشان موفق شدند دو کارگر زندانی شریف ساعد پناه و مظفر صالحی نیا را آزاد کنند و این در واقع یک الگوی خوبی را بدست میدهد. یا بارها در محلات دیده ایم که جوانان جلوی اوپاش حزب الله ایستاده اند و یا در مبارزه علیه اعدام نمونه سیرجان را داشتیم که مردم محکومین به اعدام را از بالای چوبه دار نجات دادند. شما گفتید مردم با نیروی متحد و متشکلشان هم میتوانند جمهوری اسلامی را عقب برانند و هم دولتهای غربی را. در رابطه با غرب، میخواستیم بیشتر

دیگری برای اختلافات درون رژیم نیز پیدا شد. مخالفین دولت در درون نظام، باند احمدی نژاد را مقصر در بالا رفتن قیمت ها اعلام کرد. غلامرضا مصباحی رئیس کمیسیون ویژه طرح تحول اقتصاد مجلس اسلامی روز سوم بهمن در گفتگو با خبرنگار مهر مبهوتانه این سوال را مطرح کرد که چرا دولت موضوع را رها کرده است و اعلام کرد که حیثیت دولت در کنترل ارز و سکه ری باد رفته است. او اعلام کرد که قیمت ارز باید "شناور مدیریت شده" می بود اما بدون اینکه مدیریت شود، شناور شد. محسن رضایی دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام هم این وضعیت را "نشانه نادانی و عدم تخصص" دانست. روز یکشنبه ۹ بهمن جلسه غیر علنی مجلس اسلامی برای بررسی "علت صعود سرسام آور قیمت ارز و طلا" تشکیل شد. وزیر اقتصاد و رئیس بانک مرکزی در این جلسه شرکت کردند تا به اعضای مجلس بفهمانند که اقدامات دولت امام زمان بر اساس منویات صندوق بین المللی پول و بانک جهانی صورت می گیرد و نگرانی آنها بیهوده است. و مدیریت ارز شناور را امواج دریای اقتصاد جهانی و باها و توفان هایی تنظیم می کنند، که هر چند خارج از اراده حکومت اسلامی است اما در جهت مصالح و منافع سرمایه داری ایران

چنین کردند. در چنین شرایطی هم همانطور که باز تجربه مصر و لیبی نشان میدهد راه نجات نه توکل و امید بستن به دولتهای غربی بلکه اتکا بقدرت خود و در دست داشتن ابتکار عمل بوسیله مردم معترض و انقلابی است. بهیچوجه و در هیچ شرایطی مردم نباید روی روابط میان دولتها و سیاستهای آنان حساب باز کنند. همانطور که مردم هیچ توهمی به دعوای میان جناحهای رژیم ندارند و از این دعوای استفاده میکنند تا مبارزه مستقل خودشان را به پیش ببرند کشمکش میان دولتها غربی با جمهوری اسلامی هم دقیقاً از همین جنس است. نه مساله مردم مساله این دولتها است و نه مسائلی که در سیاست خارجی این دولتها مطرح است ربطی به منافع و خواستههای مردم دارد. اگر دولت و یا حزب و سازمان و نهاد بین المللی ای نگران تروریسم اسلامی در منطقه و یا حتی نگران دستیابی رژیم اسلامی به سلاحهای هسته ای است باید از مبارزات مردم ایران حمایت کند چون

است.

اسدالله عسگراولادی در روز چهارشنبه در جمع نمایندگان بخش خصوصی گفت: "از هفته گذشته که سیاست تک نرخی ارز از سوی آقای بهمنی اعلام شده هنوز این مصوبه اجرا نشده است. این که بانک مرکزی خودش مصوبه اش را اجرا نکند، درست نیست." او اعلام کرد که ۱۲۲۶ تومان قیمت دلار "التهاب بازار" را نمی خواباند و نرخ مناسب را ۱۴۲۰ تومان اعلام کرد. اما به نظر کارشناسان مختلف این قیمت هنوز با نرخ برابری ریال با سایر ارزها فاصله زیادی دارد و نرخ واقعی دلار در شرایط حاضر خیلی بیشتر از قیمت های فعلی ارزیابی می شود. اما همانطور که عسگراولادی به عنوان یک بازاری و یار و دلسوز قدیمی نظام گفته است این قیمت ها فقط برای خواباندن "التهاب بازار" و ساکت نگهداشتن مردم است. رژیم تلاش دارد قبل از برگزاری مضحکه انتخابات اوضاع را آرام نگاه داشته و وانمود کند که روی قیمت ارز کنترل دارد، اما با وجود بگیر و ببند ها و تهدید به زندان و اعدام توسط رئیس قوه قضائیه و وزیر اطلاعات، قیمت ارز سیر صعودی خود را از سر گرفته است. پائین نگاه داشتن قیمت ارز نمی تواند موجب رضایت بورژوازی ایران باشد. بخش مهمی از این

راه حل واقعی این مسائل هم انقلاب مردم است. تنها وقتی این مسائل حل میشود که جمهوری اسلامی بقدرت انقلاب مردم بزرگ کشیده بشود. بهمین خاطر مدتهاست حزب ما این را مطرح میکند و من فکر میکنم این حرف دل مردم ایران است که هر نیرویی در دنیا از احزاب و دولتها تا شخصیتها و نهادهای بین المللی که یک ذره مدعی آزادیخواهی و طرفداری از مردم ایران است باید بعنوان دولت ایران برسمیت نمیشناسد. این حکومت باید بساطش از دنیا جمع بشود. باید سفارتخانه هایش بسته بشود. باید از نهادهای بین المللی مثل سازمان ملل و سازمان جهانی کار اخراج بشود. جمهوری اسلمی نماینده مردم ایران نیست، قاتل آنانست و لذا نه تنها باید از لحاظ سیاسی در جهان بایکوت و منزوی بشود بلکه مقاماتش باید بجرم جنایت علیه

بورژوازی درآمد ارزی هنگفت حاصل از فروش نفت را در اختیار خود دارد و به جیب می زند و بخش دیگر آن بویژه گروه های ملی مذهبی نمی توانند شغف خود را پنهان کنند از اینکه گران شدن قیمت ارز، بالا رفتن میزان صادرات و افزایش درآمد آنها هم زمان بوده است.

بالا رفتن نجومی قیمت ارز به معنای استثمار وحشیانه طبقه کارگر و دزدی و چپاول دسترنج مردم و منابع مالی کشور است. آرزو و تمام تلاش رژیم برای واگذار کردن قیمت ارز و همچنین سایر کالاهای مصرفی مردم به بازار جهانی و برابری نرخ ریال با سایر ارزها است که رشد سریعتر گرانی و تورم و فقر و فلاکت مردم را همراه خواهد داشت. اما حتی این آرزو هم برای رژیم دست نیافتنی است. بحران مزمن سیاسی که در طول حیات جمهوری اسلامی همراه با آن بوده است و دانما در حال پیشروی است، امکان دست یابی به یک نرخ متعادل با بازارهای جهانی را برای رژیم غیرممکن می سازد. برای حکومتی که مورد نفرت و بطور مستقیم در معرض تهدید سرنگونی توسط مردم زیر سلطه آن و افکار عمومی جهان است، تحقق چنین آرزویی امکان پذیر نیست.*

بشریت در دنیا تحت پیگرد قرار بگیرند. الان سیاست دولتهای غربی برعکس است. از لحاظ سیاسی و دیپلماتیک همه دولتها با جمهوری اسلامی رابطه دارند و آنرا بعنوان دولت ایران برسمیت میشناسند ولی تحریم اقتصادی میکنند و بر طبل جنگ میکوبند. قربانی این سیاستها مردم ایران خواهند بود کما اینکه همین امروز شاهد وضعیت غیر قابل تحمیلی هستیم که تحریمهای اقتصادی بوجود آورده است. ما در برابر جنگ و تحریم اقتصادی، تحریم سیاسی جمهوری اسلامی را مطرح میکنیم و از مردم دنیا و نیروهای مترقی و آزادیخواه و مردم شریف دنیا میخواستیم که دولتها و سازمانهای بین المللی را برای بایکوت و منزوی کردن رژیم اسلامی تحت فشار قرار بدهند. این خواست واقعی مردم ایران است.

شهادت دانشفر: با تشکر از شما بخاطر شرکت در این برنامه*

کنگره "۹۹ درصدی" ها...!

از صفحه ۱



حکم اخراج خود را آتش زد. امید و افق و مبارزه کارگران و همه مردم ایران را بیان کند که برای رهایی از حکومت اسلامی و تحریم ها و اوضاع وخیم اقتصادی و تهدید جنگ و قحطی تلاش میکنند. کنگره همبستگی با مردم سوریه باشد که قهرمانانه علیه حمام خون دیکتاتوری بشار اسد می جنگند. با کارگران اوکلند آمریکا همراهی کند که فراخوان اعتصاب عمومی جهانی در اول ماه مه (روز کارگر) امسال داده اند. کنگره ای باشد که امثال علیا المهدی ها و گلشیفته ها و اعتراض زنان در ایران و جهان بر علیه آپارتاید و بردگی جنسی را نمایندگی میکند. بر مهمترین درس های انقلابات مصر و تونس، این تحولات تعیین کننده

زمان ما، تاکید بگذارد. زبان گویای "جنبش اشغال" و مبارزه علیه سرمایه داری در جهان باشد. خلاصه کلام کنگره "۹۹ درصدی ها" باشد که برای نجات جهان بپاخواسته اند، و بویژه باید پرچم پیروزی آنها در ایران را روشنتر و مشخص تر از همیشه برافرازد.

انترناسیونال: آیا بطور واقعی این کنگره میتواند بر این شرایط نقش و تاثیر قابل توجهی بگذارد؟ چگونه؟

مصطفی صابر: کنگره يك لحظه معین در کل تلاش حزب ماست که در منطقه بسیار حساسی از جهان فعال است. همه میدانند که در این دنیای درگیر بحران اقتصادی و بن بست های سرمایه داری، يك وضعیت انفجاری در ایران برقرار است. تحولات تعیین کننده ای در پیش است. جمهوری اسلامی غرق در بحران و فساد و جنایت به آخر خط رسیده است. بالایی ها و کل بورژوازی راه حل روشنی چه در سطح جهانی و چه در رابطه با اوضاع ایران ندارند. بعوض دوره ما دوره دست بالا گرفتن گفتگان انقلاب و به میدان آمده توده

آزادیخواهان و برابری طلبان در ایران به يك معنی در مرکز تحولات سیاسی جهان قرار دارد. و حزب ما حزب این مبارزه و تلاش است. حزب ما میتواند و باید فاکتور تعیین کننده و تاثیر گذار در شکل دادن آینده ایران و به این اعتبار جهان باشد. کاری که این کنگره میتواند انجام دهد، علاوه بر وظایف روتین حزبی نظیر انتخاب کمیته مرکزی، این است که وجدان آگاه و فعال زمان خود باشد. جایگاه انقلاب در ایران و اهمیت پیروزی آن در سرنوشت کل جهان را اعلام کند و تعهد و عزم حزب ما برای به پیروزی رساندن تلاش کارگران و مردم ایران را مورد تاکید قرار دهد. بهر درجه که کنگره این فضا را دامن بزند و در این جهت گام بردارد، میتواند نقش تاریخی ایفاء کند.

انترناسیونال: فکر میکنید چقدر کنگره در این جهتی که گفتید پیش برود؟

مصطفی صابر: این بستگی به تلاش و کوشش همه ما چه در حزب و چه خارج از صفوف تشکیلاتی حزب

های میلیونی برای بدست گرفتن سرنوشت خود است. اتفاقی نبود که این دوره نوین جهانی از تظاهرات میلیونی در تهران ۸۸ شروع شد و به تونس و قاهره و بعدا به لندن و نیویورک رسید. حالا پژواک صدای اعتراض مردم ایران در ۲۰۰۹ که در جهان پیچید و به موجی از انقلابات و جنبش های توده ای تبدیل شد که دیوار دیکتاتورها را فروریخت و قلعه وال استریت و حاکمیت "يك درصدی ها" در جهان را به لرزه درآورد، و دوباره به ایران برمیگردد. حزب ما و نقش و تاثیرش، و از جمله کنگره هشتم آن، اینجا وارد میشود. جالب است که کنگره هفتم حزب ما در گرماگرم انقلاب ۸۸ ایران برگزار شد و اگر به اسناد آن نگاه کنید (مثلا "مانیفست انقلاب ایران") خواهید دید که چگونه ما از همان موقعه به استقبال يك وضعیت جدید در جهان میرفتیم که اکنون در اشکال بیعی و خودویژه و زیرو رو کننده تر از آنچه تصور را میکردیم، برقرار شده است. میخواهم بگویم اوضاع ایران و در نتیجه مبارزه طبقه کارگر و همه

دولت و ارسال برخی پیامک های دولتی در بالا بردن قیمت ارز خبر دادند. بطور کلی گفته می شود احمدی نژاد قصد دارد با این اقدامات دست خامنه ای را در پوست گردو گذاشته و با تحکیم نفوذ و اقتدار اطرافیان، باب مذاکره و معامله با آمریکا را در دست بگیرد. او برای این منظور و برای مقابله با خامنه ای و تمام مخالفانش در جبهه اصولگرایی، همواره تهدید کرده و استناد این تهدیدهایش هم پرورنده های "فوق محرمانه" ای است که از بسیاری از مقامات ارشد نظام - در جریان درگیری با حیدر مصلحی و وزارت اطلاعات - در اختیار گرفته است. پرورنده های فوق محرمانه ای که خامنه ای را به سکوت و یا بگفته "علی مطهری" نماینده تهران، به ماماشات واداشته اند. نابسامانی بهم ریختگی بازار ارز و سکه، علی مطهری نماینده منتقد دولت را مجبور ساخت اعتراف کند که مجلس به "شعبه ای از دفتر رهبری" تبدیل شده و در طول چهار سال گذشته فرمان او با دولت ماماشات کرده است. وضعیتی که "احمد توكلی"، اقتصاددان برجسته جبهه اصولگرایی هم از ادامه آن با عنوان "ورزشکستگی اقتصادی" نام برده و "غلامرضا مصباحی مقدم" نیز خبر داد که "با

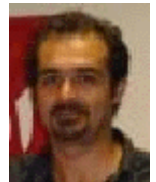
دارد. تا آنجا که به برگزاری و اسناد در حال تهیه برای کنگره برمیگردد و خط و جهتی که رهبری حزب دنبال میکند همه در سمت و سوی است که بالاتر اشاره شد. کنگره جایی است که حزب این جهت گیری و عزم و اراده را به جامعه و صفوف خود اعلام میکند و به آن متعهد میشود. این لازم است که این هرچه وسیعتر و پرمادانه تر منعکس شود و پیام کنگره هشتم حزب در جامعه مطرح شود. رهبری و بدنه کادری حزب تمام تلاش خود را این زمینه بخرج میدهد. اینجا اجازه میخواهم خطاب به اعضا و بدنه اجتماعی وسیعتر حزب، خطاب به همه کسانی که قلب شان برای رهایی از شر حکومت اسلامی و حاکمیت خرافه، بی حقوقی، نابرابر و استثمار می تید، خطاب به همه "۹۹ درصدی ها" بگویم: این کنگره شماست. در آن شرکت کنید و در تلاشی که این کنگره نماینده آنست دخیل شوید و سهم ادا کنید.*

های بانکی نیست. مشکل، جهان و روزگاری است که دیگر جمهوری اسلامی و اقتصاد و سیاست و فرهنگ اسلامی نمی خواهد. مشکل، عدم اعتماد مردم ایران به حکومتی است که سی سال با انواع و اقسام رفتارهای مذهبی افراطی اش، انواع تحریم ها و فشارهای اقتصادی - معیشتی را به مردم تحمیل کرده است. مشکل جمهوری اسلامی، ساز و کاری است که با ابتدایی ترین خواسته ها و نیازهای انسانها در تناقض است. با پیش فروش سکه و ارز یا بدون پیش فروش آنها، با بالا بردن سود سپرده های بانکی یا کاهش آنها، مشکلات و بحران های رژیم اسلامی حل شدنی نیستند. جمهوری اسلامی حکومتی است که زندگی، حرمت و معیشت مردم را بازچه سیاست کاریها و رقابت های اقتصادی مقاماتش قرار داده و باید بزیر کشیده شود و امروز، بی اعتمادی وسیع و عمیق مردم به این حکومت، شیادی و فرصت طلبی و اشتباهات سیری ناپذیر مقامات مذهبی در دزدی و آدمکشی و از سوی دیگر، انزوای بیسابقه و هر روز تشدید شونده بین المللی، همه و همه دست به دست هم داده اند تا جمهوری اسلامی به "پایان" سلام کند!*

ادامه این شرایط، همه چیز، از تولید گرفته تا واردات کالا متوقف خواهد شد!" مهدی طباطبایی نماینده دوره هفتم مجلس و عضو شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز، ضمن اشاره به اینکه "برخی قطعهنامه های دشمن را کاغذپاره می دانند اما این ها مشکل ساز شده است"، آرزو کرد دولت به اشتباه بودن سیاست های اقتصادی خود اعتراف واز مردم عذرخواهی کند و اضافه کرد که "ای کاش ما هم که از دولت حمایت کردیم، بگوییم اشتباه کرده ایم". در جبهه دولت اما، علیرغم تشدید نزاعها و تعمیق نابسامانی بازار، "شمس الدین حسینی" وزیر اقتصاد احمدی نژاد می گوید "مشکل ارز و سکه حل شده" و بانک مرکزی هم اعلام کرده است که "با پیش فروش ده میلیون قطعه سکه، بیش از پنج هزار و پانصد میلیارد تومان نقدینگی سرگردان بحساب بانک ملی واریز شده است!"

واقعیت آن است که دزدی و چپاول يك پایه اصلی ثبات و تداوم جمهوری اسلامی است و مقامات مذهبی این رژیم حتی در گیر و دار تحریم ها و درهم ریختگی اقتصادی هم يك لحظه از بالا کشیدن پول های مردم غافل نیستند. مشکل رژیم اسلامی بر خلاف گفته های وزیر اقتصاد، ارز و سکه یا افزایش و کاهش سود سپرده

ورشکستگی اقتصادی جمهوری اسلامی



هادی وقفی

هفته گذشته افزایش تحریم های اتحادیه اروپا و آمریکا و بویژه تحریم های اخیر در حوزه های بانکی و نفتی، اختلافات و نزاع های درونی حکومت ایران را شدت بخشید. شاید بتوان گفت این نتیجه محتوم این تحریم ها در شرایط حاضر بود اما، بی تردید تمام مسئله و تمام ریشه های بحران حاضر نیست. بحرانی که پس از تحریم خرید نفت، قیمت تمام مایحتاج اولیه مردم را بشکل تصاعدی افزایش داده، پول های مردم را بطرف بازارهای کاذبی که نشان از عدم اعتماد مردم به حکومت دارد، سوق داده و در يك کلام يك وضعیت انفجاری را هم در درون صفوف خود حکومت و هم در میان مردم معترض و متروصد سرنوشتی موجب شده است. شرایط کنونی يك بار دیگر میرمیت سرنوشتی و به زواله دان ریختن كل این دستگاه سرکوب و چپاول را مقابل مردم قرار داده است.

این هنوز میتوان گفت مستقل از این واقعیت است که رژیم اسلامی از همان زمان روی کار آمدنش بحران داشته و جامعه نامتناسب و عقب مانده ای بوده است بر تن جامعه ایران. بحران کنونی در بطن انقلاب است. در میان امواج سهمگین دریای نارضایتی مردم، به گرو گرفتن زندگی مردم در روز روشن است با هدف پیروزی بر رقیب و محکم کردن سلطه این حکومت دزدان بر کل جامعه و به بازی گرفته شدن در معادلات بین المللی. می توان مدعی شد که بالا رفتن قیمت ارز و سکه، پاشنه آشیل است که جامعه و مردم را ملتهب و اختلافات حکومتیان را تشدید ساخته است. نزاع هایی که هر چه بیشتر از پیش خامنه ای و احمدی نژاد را رو در روی هم قرار داده است. احمدی نژاد، رئیس جمهور دست نشانده و سابقا مورد اعتماد خامنه ای، در شرایط کنونی دیگر به هیچ چیزی فکر نمی کند مگر تضعیف و کاهش نفوذ و اقتدار خود خامنه ای و ثبات بخشیدن به قدرت و نفوذ اطرافیان "انحرافی" اش تا ظهور امام زمان در ایران! او برای این منظور حتی حاضر شده است تحریم نفتی را مستمسک قرار دهد و زندگی و معیشت مردم را به گروگان بگیرد! نخستین بار این خود رسانه های اصولگرا بودند که از سکوت تعمیدی

بازتاب هفته

نبرد رژیم اسلامی با دشمنان کارتین خواب



بهروز مهر آبادی

روز ۹ بهمن سرهنگ سجادی فرمانده یگان انتظامی و اجرائیات شهرداری خبر از جمع آوری ۱۱۵ کارتین خواب، ۷۱ متکدی و دو کودک خیابانی داد و به دنبال آن تصاویر هجوم ظفرمندان لشگریان اسلام به کارتین خواب‌ها منتشر شد که با باتوم و کابل به آنها حمله ور شده و یا دستهایشان را از پشت بسته و در پشت وانت بارها روانه سرنوشت نامعلوم شده اند. توحش نیروهای شهرداری در حمله به کارتین خواب‌ها، فقر و کودکان خیابانی تا آنجا بود که موجب اعتراض بعضی از اعضای مجلس اسلامی هم شد. در جامعه ایران که بر دریایی از ثروت‌های عظیم طبیعی قرار گرفته است، کارتین خوابی همچون کودکان خیابانی پدیده‌هایی همزاد جمهوری اسلامی هستند. فقر و بیخانمانی، بیکاری و اعتیاد، بیماری‌های جسمی و روانی و معلولیت و یا نداشتن شناسنامه ایرانی، هزاران نفر را در تهران و شهرهای مختلف به زندگی کارتین خوابی رانده است. اما تمام مساله این نیست. وجود حکومت و سنتهای عقب مانده و ارتجاعی و ضد انسانی اسلامی نیز باعث میشود بسیاری از دختران و پسران برای فرار از این سنتهای ضد انسانی، ناچار به ترک خانواده شده و به جهنم کارتین خوابی روی آورند. تا شب‌های سرد زمستان و روزهای داغ تابستان را در پناه قطعات کارتین سپری کنند. هر روز تعدادی از آنها بخاطر سرما، نبودن بهداشت، کمبود مواد غذایی، عدم برخورداری از کمترین امکانات درمانی جان خود را از دست می‌دهند. نه زندگی آنها در جایی ثبت شده است و نه خبر مرگ آنها در جایی انتشار می‌یابد.

جامعه فاقد آن هستند.

رفتارهای وحشیانه و توهین آمیز ماموران رژیم و شرایط غیر انسانی و دهشتناک اماکن دولتی نظیر "مراکز حمایتی" و "گرمخانه ها" موجب می‌شود که این افراد ماندن در زیر پل‌ها، حاشیه بزرگراه‌ها و در گوشه و کنار پارک‌ها را ترجیح دهند. مقامات و رسانه‌های رژیم با عبارات توهین آمیزی نظیر "متکدی" از کارتین خواب‌ها و کسانی نام می‌برند که خود قربانیان غارتگری‌ها و جنایات رژیم هستند. و طوری صحبت می‌کنند گویی زندگی در فقر و نکبت انتخاب خود این اشخاص است. بنا به گزارشی که روزنامه "تهران امروز" در دی ماه انتشار داد در بین کارتین خواب‌ها و بیخانمان‌ها اشخاصی با تحصیلات و تخصص‌های شغلی نظیر فوق لیسانس فیزیک، کارشناسی مدیریت، خلبانی و کارشناس مدیریت بازرگانی وجود دارد که فاقد سرپناه و مکانی برای زندگی هستند. این گزارش عمق فقر در جمهوری اسلامی و شدت استثمار و غارتگری رژیم را نشان می‌دهد. رژیم هر روز به کارتین خواب‌ها حمله می‌کند، آنها را دستگیر کرده و پس از شکنجه و آزار به حال خود رها می‌کند. تعداد قربانیان سرمایه داری اسلامی که بیخانمان شده و در خیابانها دست نیاز دراز می‌کنند، هر روز در حال افزایش است. وجود هر کدام از این انسانها دلیل محکمی بر لزوم سرنگونی جمهوری اسلامی است. بی دلیل نیست که رژیم هر روز وحشیگری خود را در مورد این قربانیان افزایش می‌دهد. این افراد که صدمات توحش حکومت اسلامی را با تمام وجود خود لمس کرده‌اند، بخشی از نیروی بزرگی هستند که در مقابل رژیم قرار داشته و آن را هدف قرار داده‌اند. گامهای این انسانهای بظاهر ضعیف خیابانها را خواهد لرزاند و دنیای بهتری را بر آوار جمهوری اسلامی بنا خواهد گذاشت. دنیایی که در آن همگان از شادی و سلامت، مسکن، رفاه و آسایش و تفریح برخوردار و از تعرض سرمایه و مذهب در امانند.*

دهه فجر و نمایش خمینی مقوایی!



یاشار سهندی

پیامبر، یا از آن بالاتر، در اندازه یک خدا. اگر هم قرار بود که آیت الله برود قم و در باب طهارت و نجاست رساله بنویسد اما بعد اینکار را نکرد نه از سر صرفا خصلت مردم فریبش (که روحانیت همیشه در تاریخ با عوام فریبی روزگار گذرانده اند) که نیاز بورژوازی بود که ایشان از قم برگشت و فتوای سرکوب مردمی را که ظاهر در حد خدا و او را دوست داشتند صادر کرد. البته از همان قم فرمان حمله به کردستان را هم صادر کرد که چون به شکست کشید قلب امام گرفت و به بیمارستان قلب تهران نقل مکان کرد و بعد به جماران. حقیقت این است که مردم درست بعد از ۱۰ روز از ورود ایشان با قیام خود در ۲۲ بهمن تمام قرارها بین "تصمیم سازان" را بهم زدند. مردم نزدیک سه سال تمام در تکاپوی رسیدن به تمام آزادی جنگیدند و "پیرمرد خوش قیافه" با رهبری یکی از کشیف ترین جریانهای فاشیستی مذهبی به سرکوب مردمی رفت که در ۲۲ بهمن دست به اسلحه بردند و "بهشت ثبات" را در ایران به خطر انداختند. این ایده ال بورژوازی بود که چشم به روی این وحشی گری بست. اکنون که در تلاشند این حکومت وحشی را مهار کنند (یعنی آنرا تبدیل به دیکتاتوری ای خودی بنمایند) این را هم به قیمت این انجام میدهند که روزگار مردم بیشتر سیاه شود. "تحریم" اقتصادی سلاح دول غربی است که مستقیما زندگی توده مردم را نشانه رفته است. مراسم خاص امسال در روز ۱۲ بهمن تجسم واقعی آن مثل معروف بود که میگویند: "آمد ابرویش را درست کند زد چشمش را هم کور کرد!" این تمثال مبارک، تمثیل اندازه او را دوست داشتند؛ در حد یک

بازتاب هفته

رژیم اسد به سرنگونی نزدیک میشود؟



محمد شکوهی

این هفته همزمان با ادامه اعتراضات و تظاهراتهای مردم در اکثر شهرهای سوریه بر علیه حکومت، جنگ و درگیریهای شدیدی در مناطق مختلف سوریه بین "ارتش آزاد سوریه" و نیروهای وفادار به رژیم اسد ادامه یافت. محل اصلی این درگیریها شهرهای حمص و دمشق و حومه آن بوده است. بنا به یک گزارش در شهر حمص در یک جنگ ۴ روزه نیروهای "ارتش آزاد سوریه" موفق شدند نیروهای وفادار به اسد را عقب رانند و این شهر را به کنترل خود درآوردند. فرماندهی "ارتش آزاد سوریه" با صدور بیانیه ای اعلام کرد که رژیم اسد کنترل بخش های زیادی از کشور را از دست داده است. در واکنش به این بیانیه مقامات ارتش و امنیتی رژیم در تلویزیون حکومتی ادعا کردند که این "جنگ روانی تروریستها" می باشد. خبرنگاران و رسانه های خارجی که موفق شده اند در مرز سوریه با لبنان و اردن با فعالان سیاسی مخالف حکومت مصاحبه نمایند، تأیید کرده اند که جنگهای شدید ادامه دارد و در بخش های بزرگی از کشور بطور دوفاکتو قدرت دوگانه حاکم است. خبرنگار رويترز که موفق شده از شهر حمص دیدار نماید، تأیید کرده است که این شهردر اختیار مخالفان می باشد. خبرگزاریهای جهانی خبر از تمرکز بخش مهمی از نیروهای نظامی و سرکوبگر رژیم اسد در دمشق داده و تأیید کرده اند که رژیم نگران گسترش جنگ به پایتخت و سقوط حکومت می باشد. در ادامه گسترش جنگ بین نیروهای ضد حکومتی با نیروهای وفادار به رژیم در این هفته، دمشق و حومه آن شاهد درگیریهای شدید بوده است. بر

در نشست اضطراری شورای امنیت شدند. بدنبال این درخواست روز سه شنبه شورای امنیت نشستی در این مورد برگزار کرد. قبلاً قطعنامه ای تهیه و برای تصویب به شورای امنیت ارائه شده بود. به دلیل مخالفتهای روسیه این قطعنامه به تصویب نرسید. دولت روسیه اعلام کرده است که این قطعنامه "منجر به گسترش جنگ داخلی در سوریه میشود و به همین خاطر این کشور آن را وتو کرده است! دولت روسیه که از حامیان سرسخت رژیم اسد و تامین کننده اصلی تجهیزات نظامی آن می باشد، اعلام کرده است که از مخالفان و رژیم اسد برای انجام گفتگو در مسکو دعوت کرده است. در واکنش به این ادعای دولت روسیه "شورای ملی سوریه" ضمن رد این تقاضای روسیه، اعلام کرده که تا زمانی که رژیم اسد در قدرت است هیچ گونه مذاکره ای با این رژیم نخواهد داشت. تلاش ها و تفرقه های دیپلماتیک در مورد "بحران سوریه" کماکان ادامه دارد. مواضع روسیه در حمایت از رژیم اسد مانع طرح و تصویب قطعنامه محکومیت رژیم اسد در شورای امنیت می باشد.

با حاد شدن درگیریها و احتمال سقوط رژیم اسد، جمهوری اسلامی هم ساکت ننشسته و به حمایت از رژیم اسد ادامه می دهد. این هفته خامنه ای یک بار دیگر حمایت کاملش را از رژیم اسد اعلام کرد. خامنه ای که در دیدار با سران سازمان تروریستی جهاد اسلامی فلسطین سخنرانی می کرد، رسماً حمایت خود را از سرکوب انقلاب مردم سوریه اعلام کرده و در واکنش به فشارهای جهانی بر رژیم اسد گفت: "گناه سوریه حمایت از جنبش مقاومت علیه اسرائیل می باشد". بعد از اعلام موضع رسمی جمهوری اسلامی از طرف خامنه ای، مقامات دیگر رژیم نیز شروع به دفاع بی شرمانه از رژیم اسد کرده اند. در همین رابطه پور محمدی که در مقام رئیس دیوان محاسبات رژیم سخن می گفت، اعلام کرد: "اغتشاش در سوریه برای تضعیف ایران است! وی در ادامه تأکید کرد که جمهوری اسلامی، حزب الله و حماس و دولت سوریه در "جبهه مقدم مقاومت بر علیه اسرائیل" قرار داشته و تمام

طرح های غرب و آمریکا ضربه زدن به این صف می باشد!

جمهوری اسلامی تضعیف رژیم اسد را تضعیف خود و سیاستهای دانسته و برای تقویت و بر سر کار نگه داشتن رژیم اسد از هیچ هزینه ای دریغ نمی کند. علاوه بر حمایتهای سیاسی از اسد، حمایتهای نظامی، اطلاعاتی تا اعزام نیروهای زنده سرکوبگر سپاه قدس برای سرکوب انقلاب مردم سوریه، ادامه دارد. صدها متخصص پاسدار و ماموران اطلاعاتی و امنیتی جمهوری اسلامی در سوریه و در کنار نیروهای وفادار به رژیم بر علیه مردم شرکت دارند. تا کنون دهها پاسدار و مامور اطلاعاتی جمهوری اسلامی توسط مخالفان رژیم اسد دستگیر و به دست داشتن در سرکوب انقلاب مردم سوریه اعتراف کرده اند. علاوه بر این و به دنبال گسترش حملات مخالفان رژیم اسد به دمشق و آغاز درگیریها، جمهوری اسلامی نیروهای گارد ویژه که کارشان حمایت از شخص اسد می باشد را آموزش داده است. بر اساس اخبار صدها نیروی گارد ویژه شخص خامنه ای در دم و دستگاه عریض و طویل نظامی و اطلاعاتی حکومت سوریه، امر حفاظت از اسد و خانواده اش را به عهده دارند. جمهوری اسلامی و شخص خامنه ای هم خوب می داند که روزهای عمر رژیم اسد به شمارش افتاده است. سقوط رژیم اسد به معنای از دست دادن متحد مهم جمهوری اسلامی برای پیشبرد سیاستهای در منطقه می باشد و از

دهه فجر و نمایش ...

واقعی از وضعیت جمهوری اسلامی است که از آن امام و از این حکومت هیچی نمانده است. حکومتی که آشفستگی و پریشانی سراسر وجودش را به لزره درآورده است. همه کارگزاران حکومت مشغول توطئه چینی برای هم هستند، زیر پای هم را خالی میکنند. این یکی، آن یکی را جریان انحرافی میخواند و آن یکی، این یکی را ادامه جریان فتنه. سرداران سپاه به طرز مشکوکی میمیرند، سرداری دیگر هشدار میدهد تاریخ برای ما هم دارد تکرار میشود که روز سقوط فرا رسیده

نظر روانی در تقویت جنبش سرنگونی در ایران تأثیر بلا انکاری دارد. سرنگونی رژیم اسد ضربه مهلک بر پیکر اسلام سیاسی و نماینده رسمی آن، جمهوری اسلامی خواهد بود. نگرانی خامنه ای و سران حکومت از وضعیت رژیم در حال مرگ اسد، کاملاً قابل فهم است. اما مردم و انقلاب سوریه از اولین روزهای آغاز انقلابشان رسماً اعلام کرده اند که انقلابشان برعلیه جمهوری اسلامی هم می باشد. صحنه های آتش زدن عکس های خامنه ای، خمینی و پرچمهای جمهوری اسلامی، حزب الله و حماس در چند ماه پیش در تظاهراتهای صدها هزار نفری مردم در شهر های درعا، حمص و حما، بیانگر خشم و نفرت و انزجار مردم سوریه از دخالت های جمهوری اسلامی در سوریه و بویژه حمایتش از رژیم اسد بود. جمهوری اسلامی در کنار رژیم اسد در سرکوب مردم سوریه مستقیماً دست داشته و مردم بدرست بر علیه هر دوررژیم دست به مبارزه زده اند. پیروزی انقلاب مردم سوریه ضربه مهلک و کشنده ای بر پیکر اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی وارد خواهد کرد. نه فقط این، بلکه شاهد شکوفایی و به میدان آمدن مبارزه ای گسترده در منطقه و در خود ایران بر علیه اسلام سیاسی و نماینده رسمی آن، جمهوری اسلامی خواهیم بود. جمهوری اسلامی در انقلاب مردم سوریه سرنگونی خودش و افکار و عقاید ارتجاعی خمینی را می بیند.*

از صفحه ۵

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

تقلایی دیگر برای سرهم بندی آلترناتیو راست

سیامک بهاری



نمی‌توانند بخواهند. مساله اینست که غرب نمیتواند بر جنبش اعتراضی مردم و سرنگونی طلبی و برابری خواهی مردم سرمایه گذاری کند، این برایش ممکن نیست! پس باید سرمایه های سیاسی اش را در جای دیگری بیابد. در میان طیفی از دوم خردادیهای سابق یعنی حکومتی های مغضوب، در میان حامیان و طرفداران خودش و اپوزیسیونی که تلاش می کند آن را دستچین و مهندسی کرده و زیر نورافکن قرار دهد تا نگرانی از جنبش مردمی و خواسته های آزادیخواهانه و برابری طلبانه آنها نداشته باشد.

غرب برای حفظ جایگاهش، منافعش و استراتژی سیاسی و اقتصادی امروز و فردایش به تکاپو افتاده است تا این طیف را متحد کند و آنها را بعنوان آلترناتیو جلوی صحنه بیاورد. اینکه همه آنچه توانسته تا کنون جمع کند و همه سرمایه سیاسی اش این گروه هستند، استیصال سیاسی و فلاکت آن را نشان می دهد. اما علیرغم همه تلاشهای اینجینی و رفع و رجوع دعوای درونی این جناحها، یک حقیقت ساده مثل خورشید میدرخشد و آن این است که جنبش سرنگونی و پایان کار جمهوری اسلامی در بستر اصلی اش قرار گرفته است! انتخاب واقعی مردم و شعارها مطالباتشان اتفاقا روشن تر از هر وقت نمایان شده است. در دل همه مبارزات اعتصاب و اعتراض کارگری، در میان مبارزه پر قدرت زنان و جوانان، هیچکدام از جریانات این طیف ها و خواسته هایشان حتی برای اندک زمانی هم روی استقبال ندیده است! هیچکدام از سناریوهایی که این طیفها با اتکا به امکانات وسیع دستگاههای تبلیغاتی غربی تلاش کردند رواج دهند به خورد مردم نرفته است! کسی صدای آمریکا و بی بی سی را در هیچ مبارزه حق طلبانه ای مرجع خود نکرده است. شاهزاده در خیابانها فریاد نزدند، مردم بقایای جناحهای جمهوری اسلامی و دوران درخشان امام راحل و اصلاح طلبان جمهوری اسلامی را در همان زباله دانی گذاشته اند که جمهوری اسلامی را قرار داده اند!

کرای تراشی و چلبی سازی و ... فعلا تنها راهی است که غرب میتواند به آن دلخوش کند تا مبارزات مردم را منحرف کند و انقلابشان بندد! مخارج آن هرچه باشد از ضرر جبران ناپذیر انقلاب و جارو شدن همه نیروهایش به صرفه تر است!

انقلاب در راه است، این شعار و پریاگانده نیست! این کنفرانسهای تعجیل های سیاسی و پا روی پا گذاشتنهای کنونی، همه و همه نشانه آن است! بستن راه اتحاد مردم و ساختن لولویی به نام آلترناتیو برای انقلابی که پیش لریزه هایش را هم جمهوری اسلامی و هم غرب با دستگاه های دقیق سنجش تنفر عمومی مردم از وضع موجود سنجیده اند.

غرب به آینده جمهوری اسلامی و بهبود روابط آن با خود امیدی ندارد. پس تنها راه چاره برایش متحد کردن نیروهای خودی خودش برای فردایی است که مردم را و انقلابشان را به خانه بفرستد. کنفرانس اتحاد برای دمکراسی و مرکز اولاف پالمه و کارگاه آموزشی و همه تدرکاتی که در کنفرانسهای پاریس و هامبورگ و لندن دیده شده بر این اساس استوار است. پس از کنفرانس استکهلم، کنفرانس واشینگتن به دعوت جمهوریخواهان و طیف اکثریتی و توده ای و جریانات قوم پرست در راه است.

بد نام بودن کنفرانس استکهلم و پنهان کردن اهداف آن چنان است که برخی از خودی هایشان را هم از صرافت شرکت در این کنفرانس انداخته و صدای برخی از آنها را هم در آورده است. دارند توصیه میکنند که اگر میخواهید برای مردم ایران نسخه بپیچید بدانید شعور سیاسی این مردم را دست کم نگیرید، شتر سواری دولا دولا نکنید! این مردم تیزبین تر از آن هستند که فکرش را کرده اید. از همین حالا ما را خواهند شناخت و حذمان خواهند کرد. از کنفرانس استکهلم هیچ "میری" در نخواهد آمد! هر آلترناتیوی ساخته شود و هر تصمیمی برای آینده مردم گرفته شود، با حضور اعتراضی مردم حتی در یک خیابان فرعی و در یک تظاهرات و اعتصاب کارگری، طومارش از هم گسیخته خواهد شد. باور کنید، انفجار و انقلاب مردم مهار شدنی نیست! این انقلاب رهبران و فعالین و نیروهای تیزبین خود را دارد. مدعی دارد، خط و برنامه دارد! بهتر وعاقله تر است که در کنار این مردم باشید.*

یک بحران و دو اجلاس ...

از صفحه ۱



وسیع کارگری بویژه در بخش سرویس حمل و نقل عمومی، روزهای پر الهیایی را می گذراند. افزون بر این، گزارش آژانس "استاندارد- اند- پورز" و اجرای سیاست ریاضت کشی اقتصادی دولت بلژیک نیز چنان به نارضایتی گسترده و عمومی دامن زده که مزه تلخ قهوه های این اجلاس را هم به مذاق شرکت کنندگان تلخ تر گردانید. با گزارش روز جمعه گذشته آژانس "استاندارد..." و دادن کاهش نمره اعتبار مالی به فرانسه و هشت کشور دیگر اروپایی حوضه یورو، اینک سئوالات فراوانی در مورد آینده اقتصادی این اتحادیه، بویژه آینده هفده کشور منطقه یورو و آینده اقتصاد اروپا و مشخصا آینده واحد پولی یورو، در سطحی عمومی مطرح شده است.

یکی از مهمترین محورهای این اجلاس، دستیابی به توافقنامه ای بود که بر اساس آن ۲۵ کشور از اعضا، با امضای آن متعهد گردیدند که در تنظیم مقررات مالی همکاری بیشتری داشته تا بدهی های کشورشان انباشته نشده و به سرنوشت تلخ یونان دچار نگردند. همچنین توافقنامه جدید مالی این امکان را به دیوان قضائی پارلمان اروپا میدهد تا کشورهای متخلف از قوانین جدید را مجازات نماید. هر چند تم این نشست "بحران حوضه یورو و تصویب قوانین جدید برای حل این بحران" بود و تصویب آن با دو رای مخالف بریتانیا و جمهوری چک پیروزی محسوب شد اما نتوانست ناظران سیاسی و کارشناسان اقتصادی را قانع کند. این کارشناسان کماکان معتقدند نتیجه نهائی این اجلاس، رشد تورم، بیکاری بیشتر و ناآرامی ها و شورش های غیر قابل پیشبینی خواهد بود.

فوروم اقتصادی داووس:

این اجلاس جهانی اقتصاد که در سال ۱۹۷۱ میلادی به وسیله "کلاوس شواب" پرفسور اقتصاد در دانشگاه ژنو بنیاد گردید با تنظیم پلاتفرمی جهت حل معضلات سیاسی و اقتصادی جهان در سال

۱۹۸۷ به اسم جدید امروز تغییر نام داد. اجلاس امسال که چهل و دومین مجمع این نهاد بین المللی است با سخنان آنگلا مرکل صدراعظم آلمان افتتاح شد. نزدیک به ۲۶۰۰ نفر از صاحب نظران و مسئولین مهم اقتصادی، صنعتی، تجاری و دولتی شرکت کرده، به گفتگو و تبادل نظر در مورد اوضاع بحرانی و وخیم دنیای سرمایه داری پرداخته و بخصوص بحرانی که از آمریکا در سال ۲۰۰۷ شروع شد و سپس دامنگیر دولتهای اروپائی شد، را بررسی کرده و علل این بروز بحران و راه حلهای ممکن را از زوایای گوناگون در پنج روز کنفرانس به بحث گذارند.

یاس وید بینی، نداشتن امید به آینده ای بهتر، نیافتن هیچ آلترناتیو و راه حل معقولی برای رهائی از این سراب، بهمراه صدها سؤال بی پاسخ و نگرانی واقعی شرکت کنندگان، فضائی بود که در کل تاریخ این مجمع سابقه نداشته است. "توریل رویین" یکی از صاحب نظران و اقتصاد دان مطرح آمریکائی از روزهای سختی برای اقتصاد اروپا و کلا جهان غرب گفت و افزود که این بحران تا آخر این دهه احتمالا طول خواهد کشید و اگر تصمیمات مهم و حیاتی گرفته نشود این بحران همچنان ادامه پیدا خواهد کرد.

بسیاری از شرکت کنندگان بر این باورند که جهان غرب با توجه به تداوم جهانی شدن اقتصاد و تجارت تنها سه الی چهار سال فرصت دارد تا معضل تخریب صنعتی را حل کند. و گونه اکثریت عظیم فرصتهای شغلی بویژه در بخش صنعت و سرویس صنعتی برای همیشه خاک اروپا را ترك کرده و به تعداد میلیونها بیکار اروپا صدها هزار بیکار دیگر اضافه خواهد کرد. "فیلیپ کاردونه" رئیس جمهور مکزیک شرایط اقتصادی کشورهای اروپائی را به یک بمب ساعتی تشبیه نمود و این اوضاع را تیره و تار ارزیابی کرد، رئیس دولت هنگ کنگ هم، در مجموع همین نظرات را مطرح ساخت. "جرج سورس" میلیاردر بورس باز و مشهور آمریکائی و یکی از شرکت کنندگان داووس، دولت آلمان را متهم کرد که برای حل بحران واحد پولی یورو، این دولت سیاستهایی به اعضای دیگر اروپائی دیکته می کند که به "دفلاسیون" یا کاهش شدید و منفی

فراخوان اعتصابی جهانی در اول مه امسال شهبلا دانشفر



اعتصابی جهانی در اول مه امسال، فراخوان قطعنامه ایست که روز ۲۹ ژانویه فعالین جنبش اشغال اوکلند خطاب به جهانیان دادند. خبر شادی بخش این فراخوان را در مطلبی در کارگر کمونیست ۱۹۳ به قلم عباس گویا تحت عنوان "جنبش اشغال در اوکلند: اول ماه مه روز اعتصاب عمومی جهانی، خواندم. خبری که بیش از هر چیز حال و هوای جهان امروز را بیان میکند. نفس چنین فراخوانی، امید بخش است چون طنین صدای اعتراضی جهانی است که علیه سرمایه داری و توحشش پیا خاسته و جهانی شایسته انسان را فریاد میزند. جنبشی که پس از موج انقلابات شمال آفریقا در والسرتیت آمریکا قد علم کرد و گفت اینجا التحریر است و علیه نظم موجود جهانی را به حرکت در آورد. از همین رو این خبر مرا بر آن داشت مکتبی بر روی آن بکنم:

خبر حاکمیت که در روز ۲۹ ژانویه فعالین جنبش اشغال در اوکلند پس از حرکتی اعتراضی و تجمع اعتراضیشان علیه توحش پلیس که به صفشان حمله برده بود، قطعنامه ای صادر کرده اند که در آن جهانیان را به اعتصابی عمومی در اول مه فرامیخواند. در بخشی از این فراخوان چنین آمده است: "در اول ماه مه ۲۰۱۲ اشغال اوکلند" به تمام مردمی که در هر گوشه دنیا به یک اعتصاب عمومی جهانی برای بستن مدار جهانی سرمایه، که هر روز در خدمت ثروتمند کردن طبقات حاکم و فقیر کردن مابقی است، میپیوندد. ما میخواهیم ابزار زیستمان، که ما

اوکلند بطور واقعی فراخوانی است به همه ما جهانیان و همچنین به ما مردم و کارگرانی که در ایرانیم و جمهوری اسلامی یکی از متوحش ترین حکومتهای سرمایه داری حاکم زندگی مان را به سیاهی کشانده است. حکومتی که دست اندرکارانش با وقاحت تمام دارند از در پیش بودن قحطی و گرسنگی مردم سخن میگویند و دزدی های میلیاردی شان هر روز بیشتر رو میشود. رژیمی که نان را از سفره مردم ربوده است و وزیر بهداشتش از اینکه حتی در بیمارستانها غذای کافی برای سیر کردن بیماران موجود نیست سخن میگوید. رژیمی که افتخارش چند میلیون کودک کار و خیابان و سیل عظیم جوانانی است که در چنگال اعتیاد اسیرند. این فراخوان حرف دل همه کارگران ایران است. صدای اعتراض آن کارگر خودروسازی است که در برابر هیولای بیکاری و فقر دست به خودکشی زد. حرف کارگرانی است که بخش عظیمشان را با قراردادهای موقت برده وار به کار کشیده و با نپرداخت دستمزدها و موج عظیم بیکارسازیها زندگی شان را به نابودی کشانده اند. فراخوان فعالین جنبش اشغال بیش از پیش حرف دل مردم و کارگران ایران است. حرف دل جامعه ایست که در التهاب اعتراض میسوزد و محیطهای کارگری در حال انفجار و اعتراضی هر روزه است. این فراخوان حرف دل معلمانیست که با بلند کردن پرچم معیشت منزلت حق مسلم ماست به خیابان آمدند و خواستهایشان را فریاد زدند. این فراخوان حرف دل گلشفته ها و زنانی است که علیه آپارتاید جنسی جمهوری اسلامی به پا خاسته و جامعه ای شایسته انسان را طلب میکنند. همه شواهد حاکی

یک بحران و دو اجلاس...

قیمت کالا ها خواهد انجامید. "شارون بورو" دبیرکل اتحادیه بین المللی سندیکاهای کارگران در نقضی نظام سرمایه داری را مناسب این قرن ندانسته و گفت "بی عدالتی در دنیای امروز بمراتب بیشتر از سالهای بحران اقتصادی دهه سی است. گلاوس شواب" بنیان گذار داووس بر خلاف دوران جوانی از نگاه تحسین و تمجید نظام سرمایه داری فاصله گرفته و او هم در مورد نامناسب بودن این نظام با دنیای امروز با شارون بورو هم نظر است. او در سخنرانیش به ناکارائی و سترون بودن سرمایه داری و نتایج فاجعه آور این سیستم در دنیای امروز اشاره نمود.

شعار امسال اجلاس داووس متاثر از بحران اخیر جهان سرمایه داری چنین بود "تحولات بزرگ، خلق مدلی جدید". اگر چه چند روز کار فشرده نمایندگان "یک درصدی ها" نتوانست در این دو اجلاس، گرهی از مشکلاتشان را باز کند اما توانست نشان دهد که هر چند هیچ نماینده ای از غارت شدگان در این دو اجلاس حضور نداشت اما همگان نفسهای سنگین شبی را بر فراز خود حس کردند، شبی "نود و نه درصدی ها". آنچه که نقطه اشتراک در این دو اجلاس نبود فقط فاصله نه چندان دور مکانی بود و آنچه که بر هم زنده این

از صفحه ۷

فاصله و نقطه اشتراک بود ترس از شورش و طغیان گرسنگان بود، طغیانی که خود پنج سال پیش هشدارش را به جهان مخابره کردند.

اجلاس مخالفان

امسال برای نخستین بار مخالفان این اجلاس موفق به اخذ اجازه پلیس برای برپائی همایش خود شدند و این در حالی بود که بیش از پنج هزار نفر از نیروهای نظامی و امنیتی با هماهنگی نیروهای پلیس از اجلاس داووس محافظت بعمل می آوردند. در اولین روز اجلاس، مخالفان دست به تظاهرات زدند. آنها با آوردن قلاده های سگ رویش نوشته بودند "کنسرن ها را زنجیر کنید". شمار زیادی از فعالین موسوم به جنبش "اشغال وال استریت" در سطح بین المللی در این گردهم آئی شرکت داشتند. بسان سالهای گذشته، مخالفین و منتقدین جهانی شدن، امسال نیز همزمان با اجلاس داووس بساط بحث و اعتراض را در "اجلاس اجتماعی جهان" در پورتو آ لتره برزیل گشودند و همراه با کارناوال و موزیک و سخنرانی و با شعار "بحران سرمایه داری، عدالت اجتماعی و زیست محیطی" همایش سیاسی خویش را به پایان رساندند.*

اکنون با اعتصابات سراسری مان و با ایستادن در مقابل این صاحبان زور و قدرت به استقبال همان روزی برویم که کارگران اوکلند فراخوانش را داده اند. بگذار اول مه امسال روز اعتصاب سراسری کارگران علیه سرمایه داری در سراسر جهان باشد.*

از حال و هوای دیگری در اول مه امسال و در ایران است. در ایران که اعتراض علیه تعرضات هر روزه حکومت موضوع دائمی مبارزه کارگران و کل مردم است. در ایران که ابعاد گسترده اعتراضات کارگری، ما را در یک قدمی اعتصابات سراسری و اعتراضات عمومی مردم قرار داده است. از هم

عسگری نماینده جمهوری اسلامی در مجلس، که به کارگران در راهپیمائی قبلی شان وعده های دروغ داده بود، شعار میدادند. کارگران حدود ۲ ساعت مقابل فرمانداری تجمع کردند اما خواست آنها بی جواب ماند و کارگران اعلام کردند که به اعتراض خود تا دریافت کلیه حقوق معوقه خود ادامه خواهیم داد.

دو خبر کارگری از ایران

دستمزدهای خود، از کارخانه تا فرمانداری راهپیمائی کردند و علیه مسئولین شعار دادند. کارگران که تعدادشان به ۲۰۰ نفر میرسید و بین ۹ تا ۱۸ ماه دستمزد طلب دارند در ساعت ۸ صبح مقابل کارخانه جمع شدند و در حالیکه بظرف فرمانداری راهپیمائی میکردند از جمله علیه

کارگران قائمشهر باز هم دست به تجمع و راهپیمائی زدند

طبق گزارشی که به حزب کمونیست کارگری رسیده است، روز ۸ بهمن کارگران نساجی شماره ۳ در قائمشهر در اعتراض به عدم پرداخت

تجمع اعتراضی کارگران پالایشگاه آبادان

در پی خلف وعده هیئت دولت و وزارت نفت در راستای ارتقای شغلی کارگران پیمانی شاغل در پالایشگاههای سراسر کشور، دهها تن از کارگران پیمانی شاغل در بخش خدمات اداری پالایشگاه آبادان در مقابل دفتر مدیرعامل این

پالایشگاه تجمع اعتراضی برپا نمودند. در این تجمع که از ساعت ۱۰ صبح روز یکشنبه ۹ بهمن شروع و تا چند ساعت ادامه یافت، کارگران در واکنش به عوامفریبی و وعدههای که به آنان داده شده، اعتراض خود را ابراز داشتند و خواهان رسیدگی و پیگیریهای لازم در این خصوص و نیز اجرایی شدن طرح ارتقای شغلی خود شدند.

نه قومی، نه مذهبی، حکومت انسانی!

پیامهای رسیده به کنگره ۸ حزب کمونیست کارگری ایران

در آستانه برگزاری کنگره هشتم حزب کمونیست کارگری از جانب برخی دوستان پیامهایی به کنگره ارسال شده است که ضمن سپاس از این رفقا اینجا بخشی از این پیامها را منعکس میکنیم به این امید که در شماره های آتی بتوانیم بقیه را نیز درج نماییم

پیام به کنگره هشت حزب کمونیست کارگری

ما خیل امیدوارانیم. چیزی نداریم وصله شکم مان کنیم، جای نداریم کپه مان را بگذاریم، دنیا اما مال ماست؛ ما ۹۹ درصدیها هستیم. به ما میگویند رویا پروریم، رویاهایی خطرناک! رویای شادی و رفاه همه انسانها؛ رویا از این خطرناکتر سراغ دارید! بورژوازی تازه یادش آمده "طرف درست تاریخ" بایستد و در نزد او طرف درست تاریخ سرکوب انسانهایی است که میخواهند کرامت داشته باشند. ما اما سالهاست که طرف درست تاریخ ایستادیم؛ انسانیت طرفی است که ما ایستادیم. چشم دنیا به ما کمونیستهای متشکل در حزب کمونیست کارگری ایران است. جنبش اشغال، انقلابات منطقه، محتاج کمونیسم کارگری است، و کمونیسم کارگری محتاج این است که در گوشه ای از دنیا قدرت را بدست گیرد تا جنبش ۹۹ درصدیها و انقلابات جاری در منطقه راه خود را بشناسند و به سرانجام قطعی خود برسند. از کنگره قبلی تا این کنگره چهره دنیا به شدت عوض شد. کنگره قبلی مانیفست انقلاب ایران را نمایندگی کرد و این کنگره باید مانیفست انقلاب جهانی را نمایندگی کند و این مانیفست وقتی جهانی خواهد شد که ما با انقلابمان دنیا را به لرزه در آورده باشیم و تا کنگره بعدی تحولات دنیا رنگ کمونیسم کارگری بخود گرفته باشد. ما رویا پرورانیم، رویای اینکه روزی برسد که کمترین سرود بوسه

باشد. بین الملل طریق بشری خواهد شد، چون به رویایی خود باور داریم.

یاشار سهندی

به کنگره هشتم حزب کمونیست کارگری ایران

خیلی علاقمند بودم در کنگره حضور داشته باشم ولی از آنجایی که فاصله جغرافیایی و امکانات مالی این امکان را محدود کرده است، این امر برایم میسر نیست.

رفقا، شرایط داخلی کشور بسیار حساس است و شرایط بین المللی نیز در یکساله اخیر به نفع ما پیشروی کرده است. وضعیت داخلی کشور همچون آتش زیر خاکستر است و هر لحظه ممکن است زبانه بکشد.

جامعه تشنه آزادی و رفاه و کرامت است. اینبار نوبت ماست تا به خواست جامعه پاسخ دهیم.

هیچ حزب و تشکل دیگری به این حد مدافع و سخنگوی آرزوهای قلبی مردم نبوده است. ما باید بتوانیم با متحد کردن هر چه بیشتر مردم دور اهداف انسانی مان، که همان خواست اکثریت عظیم مردم است، قدرت را بدست بگیریم و با تحقق اهداف انسانی مان که برنامه یک دنیای بهتر آن را نمایندگی می کند، جامعه را از شر سرمایه دارن دزد و قاتل حاکم رها سازیم و یک دنیای بهتر را بنا سازیم.

رفقا، شاکي ندارم که با تاکید هر چه بیشتر بر اهداف انسانی مان که همان تحقق آزادی و برابری و رفاه و در يك كلام سوسیالیسم است، کسب

قدرت سیاسی قابل تحقق است. دستتان را از دور به گرمی میفشارم و امیدوارم کنگره های متحد، منسجم و پربار باشد.

پیش بسوی انقلابی انسانی برای حکومتی انسانی
زنده باد حزب کمونیست کارگری

داوود رفاهی

۲۴ ژانویه ۲۰۱۲

رفقای عزیز حزب کمونیست کارگری ایران

سلامهای گرم و رفیقانه ام را بپذیرید در جواب به دعوتنامه صمیمانه شما به کنگره ۸ حزب کمونیست کارگری ایران، متأسفانه علی رغم میل باطنی ام به دلیل پاره ای مشکلات شخصی امکان شرکت در کنگره را ندارم. بسیار خوشحال می شدم که در جمع شما رفقای گرامی؛ در جمع شما کمونیستها می بودم و از نزدیک با بسیاری از شما و به ویژه با نقطه نظراتتان آشنا می شدم. امیدوارم که در کنگره های آتی چنین فرصتی برابم فراهم شود.

و اما رفقا، کنگره ۸ حزب کمونیست کارگری به عنوان بالاترین ارگان حزب نباید صرفاً يك تجمع دیگر حزبی برای چند روز و یا تصویب قطعنامه ها و قرارهای تشکیلاتی باشد؛ بلکه باید تجمعی برای یافتن راهی جهت خلاصی طبقه کارگر و مردم به جان آمده ایران از این وضعیت تاسف باری که با آن روبرو هستند باشد. عزیزان، همه ما انسانهایی که دلمان برای آزادی و برابری می تپد و امید داریم جامعه

از بربریت کار مزدی خلاص شود، چشم مان به اعمال و جهتگیری های انقلابی احزاب و سازمانهای کمونیستی است که امراضی اشان تلاش برای رهایی طبقه کارگر و خوشبختی کل جامعه است. قطعاً یکی از این احزاب، حزب کمونیست کارگری ایران است.

رفقا، رهایی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی طبقه کارگر آن هدف مقدسی است که کمونیستها همراه با طبقه کارگر آگاه و مبارز در حد توان خود شب و روز برایش تلاش کرده و میکنند. ولی با کمال تاسف به علت عدم اتحاد و انسجام احزاب و سازمانهای کمونیست موجود در جامعه که دارای پایگاه و نفوذ سیاسی در درون طبقه کارگر و مردم آزادیخواه هستند این تلاشها حد اقل به نظرم به شکست منجر شده و با دست آوردی مطلوب وقابل انتظار ما را به همراه نداشته است.

رفقا، احتمالاً لازم نباشد که این نکته را یادآوری کنم که کشورهای دور و برمان و حتی جامعه جهانی اکنون آستان تحولات بسیار مهمی هستند که میروند بنیاد کل نظام سرمایه داری را زیر سوال ببرد. هر چند متأسفانه در تعدادی از کشورها منطقه ای که در آن زندگی میکنم اگر مردم آزادیخواه نجنبند به جای پیشرفت پس رفت هم خواهند داشت. ایران هم از این تحولات مستثنی نیست و نخواهد بود.

در مدت طول عمر بسیاری از ماها در ایران حداقل با دو تحول بسیار عظیم روبرو بوده ایم. انقلاب ۱۳۵۷ و جنبش ۱۳۸۸. انقلاب ۱۳۵۷ بخاطر نبود حزب طبقه کارگر شکست خورد. جامعه در جنبش ۱۳۸۸ هم بخاطر عدم آمادگی نیروهای چپ و کمونیست از جمله حزب کمونیست کارگری فرصت مناسبی را از دست داد.

واضح و روشن است که وضعیت سیاسی در ایران به طرف تلاطمات انقلابی دیگری در حرکت است. اگر این بار هم فرصت را از دست بدهیم، در وهله اول تمام انسانهایی که زیر چکمه های خونین پاسداران اسلامی له شده اند، شما ها را نخواهند بخشید؛ چرا که حزب کمونیست کارگری نقطه امید بسیاری از کسانی است که دستمزدشان چندین ماه است که پرداخت نشده است. کسانی که دستمزدشان چندین بار زیر خط فقر است. زنانی که حداقل زندگی يك نسلشان تباه شده است. جوانانی که بخاطر عدم وجود امکانات اولیه يك زندگی انسانی کرور کرور به اعتیاد روی آورده اند. این انسانها چشمشان به شماست. چشمشان به شماست که راهی برای متحد کردن هزاران و میلیونها انسان آزادیخواهی که باید متحد شان کرد بیاید.

رفقا، کنگره حزب کمونیست کارگری می تواند پیشقدم این امرانقلابی باشد. لازم و ضروری است که حزب کمونیست کارگری موانع متحد شدن و یا حد اقل امکان نزدیک شدن بهم کمونیستها را رفع نماید و تلاش کند دست تمامی نیروهای کمونیست و آزادیخواه در این جامعه را در دست هم بگذارد و گام بلندی به طرف آزادی بردارد. امید است که کنگره ۸ حزب کمونیست کارگری تصمیم بگیرد که گام مؤثری در این مسیر بردارد. پیشاپیش برایتان آرزوی کنگره پربار، موفق و رزمنده را دارم. دست همگی را می فشارم و روی شما عزیزان را می بوسم.

زنده باد آزادی، برابری حکومت کارگری!

محمد محمدی

قابل توجه عموم!

قابل توجه عموم! آخرین مهلت ثبت نام برای شرکت در کنگره حزب کمونیست کارگری ایران ۱۰ فوریه است

کنگره هشتم حزب کمونیست کارگری ایران در ماه فوریه ۲۰۱۲ در یکی از کشورهای اروپایی برگزار میشود. شرکت در کنگره برای عموم آزاد است. چنانچه مایل به شرکت در کنگره هستید، برای ثبت نام با آدرس زیر تماس بگیرید. آخرین مهلت ثبت نام برای شرکت در کنگره ۱۰ فوریه است.

Congress8@gmail.com

زنده باد سوسیالیسم!

اطلاعیه شماره: ۳۸

صدیق کریمی چهره سرشناس و محبوب کارگری در شهر سنندج دستگیر شد

با کارزاری جهانی در مقابل اذیت و آزار و دستگیری فعالین کارگری بایستیم



امروز ۱۱ بهمن صدیق کریمی از چهره های محبوب و شناخته شده کارگری در شهر سنندج و یکی از اعضای هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران بازداشت شد.

صدیق قبلا در اول مه سال ۸۶ در مراسمی که به مناسبت گرامیداشت این روز در شهر سنندج فراخوان داده شده بود، به همراه دوازده نفر دیگر دستگیر شد. او به همراه شیت امانی یکی دیگر از فعالین کارگری شناخته شده در شهر سنندج که هم اکنون در زندان این شهر در بازداشت بسر میبرد، حدود دو ماه در زندان بودند و بعد از محاکمه به دو سال و نیم زندان محکوم شدند. این حکم در ۳۱ فروردین ۸۷ به شش ماه تقلیل یافت. سپس بدنبال کمپینی وسیع و جهانی حکم زندان صدیق و شیت لغو شد و مقامات قضایی لغو آنرا رسماً اعلام داشتند. اکنون پس از سه سال جمهوری اسلامی این پرونده را بهانه قرار داده و حکم بازداشت و زندانی کردن این دو فعال کارگری را صادر کرده است. متعاقب این تصمیم است که جانین اسلامی صدیق کریمی را دستگیر کرده اند. قبل از آن نیز در جریان پیگیری پرونده شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا در ۲۶ دی ماه شیت امانی دستگیر شد.

این دستگیریها در ادامه زنجیره ای از دستگیری و فشار بر روی فعالین کارگری صورت میگیرد. جمهوری اسلامی وضعیت انفجاری جامعه را می بیند و از بیم گسترش اعتراضات کارگری فشار خود را بر فعالین و رهبران کارگری شدت داده است تا جلوی سازمانیابی مبارزات کارگران را بگیرد و کل جامعه را عقب بزند. پاسخ این تعرضات کارزاری گسترده و جهانی است.

مردم سنندج همانطور که توانستند شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا را با دو هفته اعتراض پی در پی خود از زندان رها کنند، خواهند توانست شیت امانی و صدیق کریمی را نیز آزاد کنند و با این کار راه را برای آزادی همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی فراهم سازند. باید در سراسر ایران برای آزادی کارگران زندانی و زندانیان سیاسی تلاش کرد.

با برپایی تجمعات اعتراضی، نوشتن طومارهای اعتراضی در مراکز کار و در محلات و چسباندن عکس کارگران زندانی و زندانیان سیاسی بر در و دیوار خواهان آزادی فوری آنان شد. باید با کارزاری جهانی مقابل این تعرضات ایستاد.

جدا از صدیق کریمی و شیت امانی، علی اخوان، مهدی شانديز، بهنام ابراهیم زاده، ابراهیم مددی، رضا شهبای، شاهرخ زمانی، محمد جراحی از جمله دیگر فعالین کارگری در زندانند. رسول پدانی عضو کانون

فعالین کارگری صورت میگیرد. جمهوری اسلامی وضعیت انفجاری جامعه را می بیند و از بیم گسترش اعتراضات کارگری فشار خود را بر فعالین و رهبران کارگری شدت داده است تا جلوی سازمانیابی مبارزات کارگران را بگیرد و کل جامعه را عقب بزند. پاسخ این تعرضات کارزاری گسترده و جهانی است.

مردم سنندج همانطور که توانستند شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا را با دو هفته اعتراض پی در پی خود از زندان رها کنند، خواهند توانست شیت امانی و صدیق کریمی را نیز آزاد کنند و با این کار راه را برای آزادی همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی فراهم سازند. باید در سراسر ایران برای آزادی کارگران زندانی و زندانیان سیاسی تلاش کرد.

با برپایی تجمعات اعتراضی، نوشتن طومارهای اعتراضی در مراکز کار و در محلات و چسباندن عکس کارگران زندانی و زندانیان سیاسی بر در و دیوار خواهان آزادی فوری آنان شد. باید با کارزاری جهانی مقابل این تعرضات ایستاد.

جدا از صدیق کریمی و شیت امانی، علی اخوان، مهدی شانديز، بهنام ابراهیم زاده، ابراهیم مددی، رضا شهبای، شاهرخ زمانی، محمد جراحی از جمله دیگر فعالین کارگری در زندانند. رسول پدانی عضو کانون

فعالین کارگری صورت میگیرد. جمهوری اسلامی وضعیت انفجاری جامعه را می بیند و از بیم گسترش اعتراضات کارگری فشار خود را بر فعالین و رهبران کارگری شدت داده است تا جلوی سازمانیابی مبارزات کارگران را بگیرد و کل جامعه را عقب بزند. پاسخ این تعرضات کارزاری گسترده و جهانی است.

مردم سنندج همانطور که توانستند شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا را با دو هفته اعتراض پی در پی خود از زندان رها کنند، خواهند توانست شیت امانی و صدیق کریمی را نیز آزاد کنند و با این کار راه را برای آزادی همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی فراهم سازند. باید در سراسر ایران برای آزادی کارگران زندانی و زندانیان سیاسی تلاش کرد.

با برپایی تجمعات اعتراضی، نوشتن طومارهای اعتراضی در مراکز کار و در محلات و چسباندن عکس کارگران زندانی و زندانیان سیاسی بر در و دیوار خواهان آزادی فوری آنان شد. باید با کارزاری جهانی مقابل این تعرضات ایستاد.

شب همبستگی با کارگران زندانی در ایران

رهبران کارگری شایسته بیشترین حمایتها هستند برنامه ها شامل: سخنرانی، نمایش فیلم، شعر خوانی و موزیک

مکان: دانشگاه فرانکفورت ساختمان آستا

زمان: روز شنبه ۱۱ فوریه ساعت ۱۸

برگزارکننده کمپین برای آزادی کارگران زندانی - فرانکفورت

تماس: ۰۰۴۹۱۶۳۷۹۰۷۹۴۶

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:

<http://www.countmein-iran.com>

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتونید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

583657502 Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:
Bankleitzahl: 37010050, Post Bank

کانادا:

Scotiabank Canada, ICRC
Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900
Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America
277 G Street, Blaine, Wa 98230
phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush
Account number : 99 - 41581083
wire: ABA routing # 026009593
swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23, account holder: WPI
Bank: NatWest branch: Wood Green
81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345
NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید میتونید با شماره های زیر تماس بگیرید:

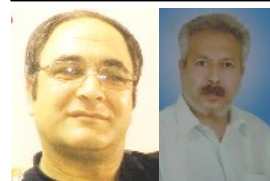
از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷

مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

از ایران: عبیل گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

دارد. کارگران و فعالین کارگری را مورد اذیت و آزار و دستگیری قرار میدهد تا کل کارگران و کل جامعه را عقب بزند. با کمپینی جهانی صدای اعتراض کارگران زندانی باشیم و در برابر فشارهای جمهوری



انقلابی و مردم آزادیخواه تقاضای حمایت و حتی گسترش اعتراضات را در جهت شکست این حربه ماموران، بیشتر از قبل را داشته و اعلام کرده اند در صورتی که مسئولین زندان و بند به درخواست شان مبنی بر انتقال به بند های عمومی جواب مثبت ندهند، تا چند روز دیگر اقدام به اعتصاب غذا خواهند کرد.

جمهوری اسلامی از رسانه ای شدن صدای اعتراض کارگران زندانی و جهانی شدن این اعتراض وحشت

Free jailed workers in Iran



Mohammad Jarahi Reza Shahabi Sheis Amani
Ali Nejati Ebrahim Madadi Ali Khavaran Behnam Ebrahimzadeh
Rasoul Bodaghi Shahrokh Zamani Sediq Karimi Mehdi Shandiz

کمیته برای آزادی کارگران زندانی
shahla_daneshfar@yahoo.com شهلا دانشفر
00447779898968
بهرام سروش
bahram_soroush@gmail.com
0044-7852 338334
<http://free-them-now.blogspot.com/p/>

انفجار رساننده است. اعتراضات کارگری به صحنه دائمی اعتراض علیه این رژیم و تعرضات تبدیل شده است. جمهوری اسلامی از وحشت گسترش این اعتراضات فشارش را بر روی رهبران و فعالین کارگری شدت داده است. از جمله طی یکماه اخیر تعداد زیادی از فعالین کارگری دستگیر و زندانی شده و هم اکنون دهها نفر از رهبران کارگری و معلمان معترض در زندانند. با کارزاری گسترده و جهانی باید در مقابل این فشارها و تهدیدات ایستاد. علی اخوان و تمامی کارگران زندانی و زندانیان سیاسی باید فوراً آزاد شوند.

کمیته برای آزادی کارگران زندانی
۱۰ بهمن ۹۰، ۳۰ ژانویه ۲۰۱۲



اطلاعیه شماره ۳۷ علی اخوان از فعالین کارگری در تهران دستگیر شد

بنا بر گزارشات منتشر شده ساعت نه و نیم شب ۸ دی ماه علی اخوان از فعالین کارگری در تهران توسط پلیس امنیت جمهوری اسلامی بازداشت و به زندان اوین منتقل یافت. به گزارش منتشر شده از سوی کانون مدافعان حقوق کارگر ماموران پلیس امنیت، برای بازداشت اخوان، به حکم یک سال و نیم حبس تعزیری وی اشاره کرده اند و مدعی شده اند که اخوان، متواری بوده است!

علی اخوان قبلاً نیز توسط ماموران اطلاعاتی جمهوری بنا بر گزارشات منتشر شده ساعت نه و نیم شب ۸ دی ماه علی اخوان از فعالین کارگری در تهران توسط پلیس امنیت جمهوری اسلامی بازداشت و به زندان اوین منتقل یافت. به گزارش منتشر شده از سوی کانون مدافعان حقوق کارگر ماموران پلیس امنیت، برای بازداشت اخوان، به حکم یک سال و نیم حبس تعزیری وی اشاره کرده اند و مدعی شده اند که اخوان، متواری بوده است!



اطلاعیه شماره ۳۵ مهدی شاندیز به زندان اوین منتقل شد

گاز در اوین، زندانیان از سرمای شدید و استفاده از آب سرد برای استحکام تحت فشار شدیدی هستند و بسیاری از آنها دچار بیماری شده اند. جمهوری اسلامی با قطع دارو، ممانعت از درمان زندانیان دریند و قطع امکانات اولیه زیستی و محدود کردن ملاقاتها تلاش دارد زندانیان را تحت فشار روحی و جسمی بیشتری قرار دهد. وسیعاً به این فشارها اعتراض کنیم. مهدی شاندیز و همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی باید فوراً از زندان آزاد شوند.

کمیته برای آزادی کارگران زندانی
۷ بهمن ۹۰، ۲۷ ژانویه ۲۰۱۲



به وخامت کشیده شود. جمهوری اسلامی در قبال جان رضا شهابی و همه زندانیان سیاسی مسئول است. رضا شهابی باید فوراً از زندان آزاد شود و این فشار زندان و شکنجه از روی او برداشته شود. رضا شهابی بخاطر مبارزات با شکوه کارگران شرکت واحد در سال ۸۴ در زندان است. با کارزاری جهانی برای آزادی رضا شهابی و همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی تلاش کنیم.

کمیته برای آزادی کارگران زندانی
۷ بهمن ۹۰، ۲۷ ژانویه ۲۰۱۲

اطلاعیه شماره ۳۶:

رضا شهابی در انتظار عمل جراحی سختی در بیمارستان بسر میبرد

دانش. خطر فلج شدن او را تهدید میکند. به گفته پزشکان او باید بعد از عمل ۲۵ روز تحت نظر پزشک باشد و حداقل دو ماه مرخصی کامل داشته باشد. پس از آن نیز چندین ماه تحت امکانات درمانی ای چون فیزیوتراپی و غیره قرار گیرد. بدین ترتیب آزادی فوری رضا شهابی برای سلامت جسمی و جانی او ضروری و فوری است.

همانطور که خود رضا شهابی قبلاً طی نامه ای از بیمارستان اعلام کرده بود، برای سپری کردن این دوره سخت معالجه او باید در آرامش کامل باشد. تا همین جا فشارهای جمهوری اسلامی به رضا باعث شده است که وضعیت وی تا چنین حدی

بنا به اطلاعیه شماره ۱۸ کمیته دفاع از رضا شهابی عضو هیات مدیره سندیکای شرکت واحد و از چهره های شناخته شده کارگری در ایران، او اکنون بدلیل وضعیت وخیم جسمی اش در بیمارستان بستری است. او از درد مهربه های گردن و کمر رنج میبرد و فشار درد دیسک بر شدت این دردها افزوده است. مصرف بالای داروهای مسکن نیز بر روی کبد او تاثیر گذاشته است. او با همه این درد ها بیست ماه است که در زندان جمهوری اسلامی بسر میبرد و به لحاظ جسمی و روحی زیر فشار و شکنجه است. رضا در روزهای اخیر عمل سختی بر روی مهره های گردن و دیسکش خواهد

همبستگی با کارگران زندانی در ایران

شنبه ۲۸ ژانویه ۲۰۱۲ ساعت ۲ تا ۵ بعد از ظهر

شنبه ۴ فوریه ساعت ۲ تا ۵ بعد از ظهر

مکان: مرکز شهر فرانکفورت هایت واخه

تماس: ۰۱۶۳۷۹۰۷۹۴۶

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران
فرانکفورت

۱۲ فوریه روز همبستگی با کارگران زندانی و اعتراض به احکام اعدام ها

پیوندیم و در هر کجا که میتوانیم متبکر چنین حرکتی باشیم. با کارزاری جهانی در مقابل سرکوبگری های جمهوری اسلامی و اذیت و آزار کارگران زندانی و دستگیری آنان بایستیم.

کمیته برای آزادی کارگران زندانی
۱۲ بهمن ۹۰، ۱ فوریه ۲۰۱۲

اعتراضی را همراهی میکند و همه انسانهای آزادیخواه را به حمایت هر چه گسترده تر از این اقدام فرامیخواند. به این مناسبت تا کنون در شهرهای واشنگتن در آمریکا، استکهلم در سوئد، برلین و مونیخ در آلمان، لندن در انگلیس و اسلو در نروژ آکسیونهایی سازماندهی شده است، وسیعاً به این حرکت اعتراضی

روز ۱۲ فوریه برابر با ۲۳ بهمن روز همبستگی با کارگران زندانی و اعتراض به احکام اعدام های تایید شده، از جمله احکام اعدام زانیار و لقمان اعلام شده است. این روز از سوی کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و میشن فری ایران اعلام شده و کمیته برای آزادی کارگران زندانی نیز این حرکت

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!



بیانیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران در مورد بازداشت فعالین کارگری و ضرورت اقدام فوری صدیق کریمی یکی از فعالین کارگری و عضو هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران امروز بازداشت شد

طبق خبر رسیده صدیق کریمی امروز ۳۱ ژانویه ۲۰۱۲ ساعت ۳۰، ۱۳ دقیقه به وقت ایران بازداشت و به زندان مرکزی شهر سنندج منتقل شد.

صدیق کریمی یکی از فعالین برجسته و یکی از رهبران کارگری و عضو هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران است.

صدیق کریمی در اول ماه مه سال ۱۳۸۶ در مراسمی که به مناسبت این روز یعنی روز جهانی کارگر در شهر سنندج فراخوان داده شده بود به همراه ۱۲ کارگر دیگر دستگیر شد.

ده نفر از این کارگران بعد از مدت کوتاهی آزاد شدند. این ده نفر دستگیر شده به جرم شرکت در مراسم اول ماه مه ۱۳۸۶ پس از محاکمه هر کدام به سه ماه و یک روز زندان و ۱۰ ضربه شلاق محکوم شدند.

صدیق کریمی و شیث امانی به همین جرم حدود دو ماه در زندان مرکزی سنندج در بازداشت بودند. بعد از محاکمه این دو نفر هر کدام به دو سال و نیم زندان محکوم و سپس این حکم در تاریخ ۳۱ فروردین ۸۷ در دادگاه تجدید نظر به شش ماه زندان تقلیل پیدا کرد.

کمپین وسیع و جهانی برای آزادی و لغو پرونده سازی علیه این فعالین کارگری باعث شد که رئیس وقت قوه قضائیه این احکام را ملغی اعلام کند. اما بعد از سه سال که از لغو این احکام سرکوبگرانه میگذرد یک بار دیگر جمهوری اسلامی پرونده این دو فعال کارگری را به جریان انداخت و حکم بازداشت و زندانی شدن آنها را صادر کرد.

طبق تصمیم دادگاه اجرای احکام سنندج، شیث امانی روز ۲۶ دی ماه ۱۳۹۰ و صدیق کریمی روز ۱۱ بهمن ۱۳۹۰ بازداشت و هم اکنون در زندان مرکزی این شهر زندانی هستند.

این احکام صادره و بازداشت تعداد زیادی از فعالین کارگری، در ادامه سیاست سرکوبگرانه جمهوری اسلامی بر علیه همه مردم ایران و بطور ویژه در ادامه سرکوب گسترده

فعالین و تشکلهای کارگری در ایران است. هدف این اقدامات خفه کردن صدای کارگران ایران در مقابل شرایط سخت شغلی و معیشتی آنها است.

ما ضمن محکوم کردن این سیاست سرکوبگرانه رژیم اسلامی خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط همه فعالین کارگری و زندانیان سیاسی هستیم. ما همه فعالین و تشکلهای کارگری و احزاب و سازمانهای مدافع کارگران را فرا میخوانیم در یک اقدام فوری و متحدانه به مقابله با این سیاست سرکوبگرانه جمهوری اسلامی به میدان بیایند. نباید اجازه داد جمهوری اسلامی فعالین کارگری و انسانهای معترض به شرایط زندگی و معیشتی خود را به این راحتی بازداشت و صدای آنها را خفه کند.

ما اطمینان داریم که مردم سنندج و فعالین و تشکلهای کارگری این شهر در اس و پیشاپیش صف نیروها و انسانهای مبارز و آزادیخواه برای آزادی این عزیزان تلاش خود را چند برابر خواهند کرد.

کارگران و مردم آزادیخواه کردستان!

بازداشت و زندانی کردن و تحت فشار قرار دادن فعالین کارگری سیاستی است که جمهوری اسلامی برای خفه کردن صدای کل جامعه در پیش گرفته است. جنبش کارگری ایران در هیچ دوره ای به اندازه امروز چهره های محبوب و شناخته شده نداشته است. جمهوری اسلامی ایران میخواهد همین دستاورد را از جنبش کارگری بگیرد و جامعه را از رهبران و سخنگویان لایق خود محروم کند. ما نباید اجازه بدهیم که رژیم اسلامی به این اهداف خود برسد.

اگر تلاش و مبارزه برای آزادی کارگران زندانی در ابعاد وسیع و اجتماعی شکل نگیرد جمهوری اسلامی بعد از اجرای احکام صادره علیه کارگران دستگیر شده، تعداد بیشتری را بازداشت و تعرض بیشتر به کارگران را ادامه خواهد داد. اگر جمهوری اسلامی با عکس العمل

سریع و وسیع مردم و آزادیخواهان مواجه نشود تنها به بهانه های واهی این کارگران را در زندان نگه میدارد، بلکه تمام کارگران و فعالینی که با قید وثیقه از زندان آزاد شده اند، را نیز مجدداً یکی پس از دیگری همانند صدیق کریمی و شیث امانی با تهدید و ارباب به زندان باز خواهد گرداند. این سیاست و تاکتیک رژیم اسلامی را باید با شکست مواجه کرد. کارگران و مردم آزادیخواه میتوانند و این قدرت و نیرو را دارند که جمهوری اسلامی را ناچار به عقب نشینی کنند. باید به هر شکل ممکن اعتراض و مبارزه برای آزادی این فعالین کارگری و همه زندانیان سیاسی را گسترش داد.

کارگران و مردم آزادیخواه!

ما همه شما فعالین و تشکلهای کارگری و مردم آزادیخواه را به یک اقدام مشترک و متحدانه برای آزادی فعالین کارگری فرامیخوانیم. قدرت ما در اتحاد و همبستگی ما است. مردم سنندج همراه فعالین و تشکلهای کارگری و خانواده های آنها هفته قبل موفق شدند با ادامه اعتراض خود دو فعال کارگری به اسامی مظفر صالح نیا و شریف ساعد پناه را از زندان آزاد کنند. این تجربه موفق اگر درسی دارد این است که اعتراض و مبارزه برای آزادی فعالین کارگری را باید متحدانه تر و گسترده تر به پیش برد.

با صدور قطعنامه، بیانیه، مطالب روشننگرانه و حمایت از کارگران بازداشتی و تجمع مستمر و گسترده در مقابل مراکز دولتی و زندان محل بازداشت این فعالین باید جمهوری اسلامی را ناچار به آزادی آنها بکنیم. قدرت مردم و در رأس آنها فعالین و تشکلهای کارگری بیش از آن است که جمهوری اسلامی فکر میکند. باید این قدرت را عملاً نشان داد و به سرکوبگران فهماند که دوره قدر قدرتی و رجزخوانی آنها تمام شده است. این اقدامات سرکوبگرانه رژیم نه از سر قدر قدرتی بلکه از استیصال و سردرگمی آنها مایه میگیرد. کارگران میتوانند و جسارت و قدرت

این را بارها نشان داده اند که همکاران و هم طبقه ایهای خود را از چنگ سرکوبگران نجات دهند.

مردم آزادیخواه سنندج!

کمیته کردستان حزب از شما مردم رزمنده و آزادیخواه سنندج میخواند که خانواده های دستگیرشدگان را در حلقه محبت خود بگیرید و اجازه ندهید آنها احساس تنهایی کنند. با امضای تومار و تراکت و بیانیه و شرکت در تجمعات اعتراضی و هر شکلی از اعتراض که ممکن و عملی میدانید در جهت تلاش برای آزادی این فعالین کارگری با قدرت و اتحادی که همیشه نمونه آن بوده اید به میدان بیایید.

در پایان ما همه سازمانها، احزاب، فعالین سیاسی و کارگری و همه مردم آزادیخواه در خارج کشور را به اقدامی مشترک و متحدانه برای حمایت از کارگران ایران و آزادی فعالین کارگری فرامیخوانیم. هم اکنون تعداد زیادی از فعالین کارگری در زندان بسر میبرند: صدیق کریمی، علیرضا اخوان، محمد جراحی، شاهرخ زمانی، شیث امانی، مهدی شاندیز، رضا شهابی، علی نجانی، ابراهیم مددی، بهنام ابراهیم زاده، ...

برای آزادی کارگران زندانی باید اقدامات متعدد و متنوعی را در

داخل و خارج کشور پیش برد. این اقدامات سالها است که به انحاء مختلف از جانب ما و دیگر جریانات سیاسی و مدافع حقوق کارگری و انسانی، انجام گرفته است و هنوز هم در جریان است. اما همه ما در جریان این فعالیتها به این واقف بوده ایم که میتوان و لازم است متحدانه تر به میدان بیاییم. ما همه سازمانها، احزاب، و فعالین عرصه های مختلف را به یک اقدام متحدانه و قدرتمند فرا میخوانیم. ما همه مردم آزادیخواه را به حمایت از فعالین کارگری و زندانیان سیاسی فرامیخوانیم. همه فعالین کارگری و زندانیان سیاسی باید فوری و بدون قید و شرط آزاد شوند. آزادی همه این عزیزان فقط با تلاش و مبارزه پیگیر و متحدانه کارگران و مردم آزادیخواه ممکن میشود.

زنده باد همبستگی مبارزاتی کارگران و مردم آزادیخواه!

سرتگون باید جمهوری اسلامی!

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۳۱ ژانویه ۲۰۱۲

تلفن:

00491635112025

ایمیل آدرس:

moasangaran@gmail.com

ail.com

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046-8 6489716

markazi.wpi@gmail.com

دفتر مرکزی حزب

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

kazem.nikkhah@gmail.com

دستیار سردبیر: شهاب دانشفر

هماهنگ کننده صفحه بازتاب: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!